

# تحلیل محتوای آسیب‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی (مورد مطالعه: پدیده اعتیاد در سه دهه اول بعد از انقلاب اسلامی)

مهدی مختاریپور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: بهمن ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش نهایی: فروردین ۱۴۰۱

## چکیده

سینما به دلیل برخورداری از جذابیت‌های بصری و قدرت تبلیغی در جهان پیشرفته کنونی مورد توجه دست‌اندرکاران حوزه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در سراسر دنیا قرار گرفته است. اما نکته‌ای که در اینجا مطرح است این است که سینما پیش از آنکه موضوعی هنری باشد، رسانه است و کارکردهای رسانه‌ای خودش را دارد. سینما طی سال‌های اخیر رشد خوبی در زمینه پرداختن به پدیده اعتیاد زنان از رشد خوبی برخوردار بوده است اما در مقایسه با سینمای جهان این رشد کافی نیست. مضاف بر اینکه فقدان استفاده از نظرات متخصصین حوزه اعتیاد و مطالعات در بیش از نیمی از این فیلم‌ها دیده می‌شود. هدف اصلی از انجام این تحقیق بر تحلیل محتوای آسیب‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی با تأکید بر پدیده اعتیاد در سه دهه اول بعد از انقلاب اسلامی است. در این تحقیق با استفاده از روش اسنادی به بررسی تاریخ سینمای ایران پرداخته شده است. در بررسی فیلم‌هایی که با مضمون اعتیاد ساخته شده‌اند، آن‌هایی را که به اعتیاد زنان پرداخته‌اند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین در زمینه بررسی و مرور نظریه‌های مربوط به اعتیاد، نظریه زندگی‌مدار، نظریه خرده فرهنگ مواد مخدر، نظریه سوگ ناقص و نظریه کجروی اجتماعی از روش اسنادی استفاده شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بر اساس سؤالات تحقیق و مقولات مورد نظر فیلم‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که بازنمایی تغییرات نوع مواد مخدر مصرفی تا حدودی متأثر از واقعیت بوده است. توزیع ساخت فیلم‌هایی که به مضمون اعتیاد زنان پرداخته‌اند با توجه به اینکه در کشور از سال‌های پایانی دهه هفتاد با رشد بیش از دو درصدی اعتیاد زنان مواجهیم، با وجود تعداد اندک، متناسب به نظر می‌رسد. در دهه ۶۰ و ۷۰ جمعاً سه فیلم با مضمون اعتیاد ساخته شده است و در دهه ۸۰ شش فیلم. با این حال تعداد اندک این فیلم‌ها نشان از بی‌توجهی به موضوع و محدودیت‌های بازنمایی اعتیاد زنان در سینمای ما دارد.

واژگان کلیدی: اعتیاد، سینما، زنان، رسانه نوین، آسیب‌های اجتماعی.

۱- استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: Mokhtarpour.Mehdi@wtiau.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

در بررسی تاریخ، شاید بتوان گفت مواد مخدر همزاد با بشر در این جهان یافت شده است. اما اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک وضعیت خاص، پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است که از اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی شناخته شد. پیش از آن در ادبیات مسیحی مصرف الکل یا مواد مخدر به عنوان گناه یا جرم به حساب می‌آمد. در ایران به استثنای برخی مقاطع تاریخی و نیز دوره اخیر هیچ‌گاه مصرف مواد مخدر جرم یا پدیده‌ای خلاف اعتقادات مذهبی به شمار نمی‌رفته است. بر خلاف آن، مصرف مواد مخدر به عنوان فعالیت فراغتی طبقات بالای جامعه به حساب می‌آمد و در برخی مناطق کشور به عنوان نیاز اقلیمی و یا مطابق با فرهنگی محلی به شمار می‌رفت. در حال حاضر بنابر آمارهای رسمی بیش از دو میلیون مصرف‌کننده مواد مخدر در کشور وجود دارد. این در حالی است که طی دهه هفتاد حدود دو میلیون نفر به جرم قاچاق، توزیع و یا مصرف مواد مخدر دستگیر و زندانی شده‌اند. بنابر آمارهای رسمی بیش از نیمی از زندانیان کشور به دلیل جرائم مربوط به مواد مخدر زندانی می‌باشند. در حالی که در افغانستان به طور روزانه بیش از هفت تن تریاک تولید می‌شود و حدود نیم تن انواع مواد مخدر در کشور کشف و ضبط می‌شود، همه روزه سه الی چهار نفر بر اثر سوء مصرف مواد مخدر در کشور، جان خود را از دست می‌دهند. علاوه بر آن، چشم‌انداز آینده براساس روند شناسی فعلی و نیز برآوردهای پیش‌بینانه چندان روشن نبوده و حکایت از وخامت اوضاع دارد. (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۴: ۲۳)

اعتیاد به مواد مخدر، اصطلاحی نامطلوب و هراس‌انگیز است که همه را به یاد قیافه‌های غیر معمول و پژمرده، قدهای خمیده، سرهای فروافکنده، چشمانی به گودی نشسته و حیثیت‌هایی به باد رفته می‌اندازد. اعتیاد هم یادآور قیافه معتاد است که ظالم‌ترین ضعیف دنیاست و هم یادآور قاچاقچیان و سوداگرانی بی‌رحم و خطرناک که جان، مال و ناموس بسیاری را به باد فنا داده‌اند. اعتیاد به مواد مخدر همه ساله ده‌ها هزار قربانی از مردم جهان می‌گیرد، صدها میلیارد دلار هزینه بر آن‌ها تحمیل می‌کند و خسارات عظیم غیرقابل اندازه‌گیری به افراد، خانواده‌ها و کل جامعه جهانی وارد می‌آورد. در ایران به علت قرار گرفتن بر سر راه ترانزیت مواد از افغانستان به سایر کشورهای دنیا و سایر علل مربوطه، سهم نابرابری از مواد مخدر به مردم می‌رسد. سالیانه میلیاردها تومان هزینه مبارزه با قاچاقچیان، خرده‌فروشان داخلی و همچنین مداوای معتادان و حمایت از خانواده‌های درگیر با مواد مخدر می‌شود و بر اساس آمار ارائه شده از طرف مقامات مسئول، بیش از دو میلیون نفر معتاد و قربانی مواد مخدر شده و خانواده‌های بسیاری از آنان نیز متلاشی شده‌اند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۶۰)

همراه با دگرگونی‌هایی که در دهه‌های اخیر در جهان رخ داده است، تنوع مواد مخدر و شیوع سوء مصرف آن در قشرهای مختلف جامعه از جمله جوانان و زنان به طور روز افزونی گسترش یافته است. وضعیت موجود اعتیاد در ایران نگران‌کننده است. افراد در طبقات متنوع اجتماعی در معرض این آسیب قرار دارند. اقدامات گذشته نیز ثابت کرده است که نیروی قهریه و قضایی به اندازه آگاهی و اندیشه کارآمد نیستند. سینما به عنوان یک رسانه، از قدرت اقناعی و پیام رسانی قابل توجهی برخوردار است. این رسانه با توجه به ابزارهایی که در دست دارد، می‌تواند نقش بسزایی را در فرهنگ سازی داشته باشد. اما متأسفانه با وجود چنین فضا و ضرورت‌هایی تعداد آثار موفقی که در سینمای کشور ما در مورد پدیده اعتیاد و به ویژه اعتیاد زنان ساخته شده‌اند، انگشت شمارند.

با توجه به این که مراکز درمانی مهم‌ترین مکان دسترسی به معتادان هستند و بیش‌ترین میزان اطلاعات مربوط به معتادان از این مراکز تأمین می‌شود، شیوع اعتیاد در زنان کم‌تر از میزان واقعی تخمین زده می‌شود. هر چند آمار دقیقی از میزان جمعیت زنان معتاد در کشور وجود ندارد، اما بر اساس برخی پژوهش‌ها ۹/۶ درصد از معتادان کشور را زنان تشکیل می‌دهند. وزارت بهداشت نیز در آمار خود در مورد زنان معتاد از رقم یک زن معتاد به ازای ۸ مرد معتاد گزارش می‌دهد. برخی گزارش‌ها هم بر این امر تأکید دارد که در مقابل هر ۱۰۰ مرد معتاد ۷ زن معتاد در کشور وجود دارد. از سوی دیگر به گفته مسئولان زندان‌های کشور در حال حاضر ۵۰ درصد زندانیان زن در رابطه با مواد مخدر و اعتیاد در زندان هستند که به نقل از همین مسئولان این آمار در سال‌های اخیر افزایش نیز داشته است. با وجود این آمار و اطلاعات پراکنده و مقدماتی، دیگر نمی‌توان به راحتی گفت جمعیت اندکی از زنان گرفتار مواد مخدر و پیامدهای آن هستند، این در حالی است که بسیاری از زنان و دختران نیز به دلیل برجسب‌هایی که به یک زن و دختر معتاد در جامعه ما زده می‌شود کم‌تر تصور مراجعه به مراکز خود معرف را دارند لذا اغلب، اعتیاد در زنان و دختران پنهان مانده و بخش قابل توجهی از جمعیت معتادان زن کشور در آمار گنجانده نمی‌شود. به نظر می‌رسد زنان معتاد بسیار آسیب‌پذیرتر از مردان معتاد باشند، چرا که مصرف مواد در زنان اغلب با آسیب‌های اجتماعی از جمله فرار از خانه، روسپیگری و خشونت توأم است. از سوی دیگر وقتی یک زن گرفتار اعتیاد می‌شود، تنها او گرفتار پیامدهای فردی و اجتماعی سو مصرف نشده است، بلکه مصرف مواد در زنان، فرزندان و خانواده آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سویی نه تنها در فرهنگ ایرانی بلکه در اکثر فرهنگ‌های دنیا، به زنان معتاد عمدتاً به چشم افراد بی‌بند و بار و بی‌عفت نگریسته می‌شود، و اگر چنین زنی خانواده نیز داشته باشد، خانواده وی نیز از این انگ‌ها و برجسب‌ها مصون نخواهد بود. وقتی زن در یک خانواده دچار اعتیاد می‌شود ارکان خانواده خیلی مستعد

نیروهای منفی گروه همسالان قرار می‌گیرد. زنان در روابط نزدیک و صمیمانه بیش‌تر از طریق همسر خویش به اعتیاد روی می‌آورند و همچنین بیش از مردان دچار آسیب‌ها و بیماری‌های ناشی از اعتیاد می‌شوند. زنان به نسبت مردان در امر درمان با مشکلات و موانع بیش‌تری روبه‌رو هستند. (صفری، ۱۳۸۲: ۱۱۹)

اعتیاد به دلیل پیچیدگی‌های سبب شناختی، نشانه‌ها و نمودهای بیرونی متنوع و پیامدهای فردی- اجتماعی تراژیک و بسیار گوناگونش از سوژه‌های مناسب برای شکل دادن درام‌ها بوده است و ادبیات و سینما از جنبه‌های گوناگون آن بهره‌جسته‌اند. همان‌طور که گفته شد سینما به عنوان یک رسانه جذاب و تأثیرگذار در جامعه محمل و موضوع مناسبی برای بررسی اعتیاد زنان و ابعاد آن می‌باشد. سینما جدا از کارکردهای عام رسانه‌ای مثل اطلاع‌رسانی، سرگرمی و آموزش، دارای کارکردهای ویژه تری مثل گریزخواهی، جامعه‌پذیری، تبلیغ و اقناع، همذات‌پنداری، نشان دادن واقعیت و ایجاد نگرش‌های جدید است. این رسانه با کمک این دست پژوهش‌ها می‌تواند با استفاده از کارکردهای مذکور نقش مهمی در آگاهی بخشی و پیام رسانی داشته باشد و از طریق فرهنگ بتواند با بروز و شیوع پدیده اعتیاد به ویژه اعتیاد زنان مبارزه کند.

### اهداف تحقیق

#### هدف اصلی:

\* تحلیل محتوای آسیب‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی با تأکید بر پدیده اعتیاد در سه دهه اول بعد از انقلاب اسلامی

#### اهداف فرعی:

- ۱- تحلیل بازنمایی شیوع اعتیاد در میان طبقات و اقشار مختلف زنان در سینمای ایران
- ۲- تحلیل بازنمایی نوع مواد مخدر مصرفی در میان زنان معتاد در سینمای ایران
- ۳- تحلیل بازنمایی علل گرایش زنان به اعتیاد در سینمای ایران
- ۴- تحلیل بازنمایی وضعیت تحصیلی زنان معتاد در سینمای ایران

#### سؤال‌های تحقیق:

- ۱- سینما در زمینه بازنمایی آسیب‌شناسی اعتیاد زنان و علل گرایش زنان به اعتیاد به چه عوامل و شرایطی توجه می‌کند؟
- ۲- بازنمایی نوع مواد مخدر مورد استفاده در میان زنان در سینما به چه صورت است؟
- ۳- آیا بازنمایی اعتیاد زنان در سینما در میان طبقات مختلف اجتماعی متفاوت است؟
- ۴- زنان معتادی که در سینمای ایران بازنمایی شده‌اند از نظر وضعیت تحصیلی چگونه‌اند؟

برای از هم‌پاشی می‌شود و فرزندان نیز بخصوص دختران خانواده در نتیجه همانندسازی با مادر و مشکلات عاطفی ناشی از مصرف مواد توسط مهربان‌ترین عضو خانواده دچار انحرافات و مسائل و پیامدهای جبران‌ناپذیری می‌شوند. متأسفانه اغلب افراد اعتیاد را در زنان یک موضوع غیر اخلاقی در نظر می‌گیرند تا یک بیماری. در واقع نگرش‌های اجتماعی منفی موجود درباره رفتار غیر اخلاقی زنان معتاد مانعی بزرگ در راه درمان اعتیاد در زنان است. چرا که زنان با درونی نمودن نگرش موجود در جامعه مبتنی بر اینکه اعتیاد در واقع نوعی تزلزل اصول اخلاقی در آن‌هاست از درمان خود اجتناب می‌نمایند یا از معرفی خود به عنوان معتاد در انتظار و مجامع عمومی شرمسار می‌شوند. همان‌طور که گفته شد زنان به دلیل تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی و فرهنگی، چالش‌های مختلف شخصی و اجتماعی را تجربه می‌کنند. فقدان بررسی تفاوت‌های جنسیتی در خصوص اعتیاد و مسائل پیرامون آن و نیز کمبود یا فقر پژوهش درباره زنان و اعتیاد در ایران، انجام مطالعاتی که به ابعاد پدیده اعتیاد زنان می‌پردازد را ضروری می‌سازد.

سینما به دلیل برخورداری از جذابیت‌های بصری و قدرت تبلیغی در جهان پیشرفته کنونی مورد توجه دست‌اندرکاران حوزه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در سراسر دنیا قرار گرفته است. اما نکته‌ای که در اینجا مطرح است این است که سینما به عنوان یکی از وسایل ارتباط جمعی در مطالعات رسانه‌ای مورد غفلت واقع شده است و همان‌گونه که ذکر شد عمدتاً از دیدگاه زیبا شناختی و هنری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. باید یادآور شد که سینما پیش از آنکه موضوعی هنری باشد، رسانه است و کارکردهای رسانه‌ای خودش را دارد. سینما طی سال‌های اخیر رشد خوبی در زمینه پرداختن به پدیده اعتیاد زنان از رشد خوبی برخوردار بوده است اما در مقایسه با سینمای جهان این رشد کافی نیست. مضاف بر اینکه فقدان استفاده از نظرات متخصصین حوزه اعتیاد و مطالعات در بیش از نیمی از این فیلم‌ها دیده می‌شود. پرداختن سینما به مسائل و مشکلات زنان معتاد نیازمند پژوهش‌هایی است تا دست‌اندرکاران سینما را از سمت عناصر صرفاً دراماتیک به سمت واقعیت‌های عینی ببرد. هدف اصلی از انجام این تحقیق بر تحلیل محتوای آسیب‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی با تأکید بر پدیده اعتیاد در سه دهه اول بعد از انقلاب اسلامی است.

### ضرورت و اهمیت تحقیق

فقدان پژوهش درباره زنان و اعتیاد، مسائل پیرامون آن اهمیت انجام این مطالعه را تأیید می‌کند. بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیقات، پدیده اعتیاد در میان زنان دارای ابعاد متفاوتی نسبت به مردان است. رفتار زنان و دختران بیش از مردان و پسران تحت

## ادبیات نظری و تجربی تحقیق

## مروری بر بازنمایی پدیده اعتیاد در سینمای جهان:

سینما جدا از نگاه رویا پردازش، امکان گرایش واقع‌بینانه به دنیای پیرامون و نگرش انتقادی و گاه دلسوزانه به مشکلات مهم و حاد اجتماعی و اخلاقی را نیز دارد؛ از جمله اعتیاد و تأثیرهایش در ایجاد بحران‌های فردی و اجتماعی. فیلم‌های بسیاری در تاریخ سینما به شکلی مستقیم یا ضمنی و در قالب‌هایی داستانی یا مستند به این پدیده پرداخته‌اند. (نوری پرتو، ۱۳۸۷: ۳۶)

در میان آثار موفق که در زمینه اعتیاد ساخته شده است ده اثر برتر را در سینمای جهان می‌توان نام برد: مرد بازو طلایی<sup>۱</sup> (اتو پرمینگر)، ایزی رایدر<sup>۲</sup> (دنیس هاپر)، قطار بازی<sup>۳</sup> (دنی بویل)، صورت زخمی<sup>۴</sup> (برایان دی پالما)، وحشت در نیدل پارک<sup>۵</sup> (جری شاتزبرگ)، مرثیه‌ای برای یک رویا<sup>۶</sup> (دارن آرنوفسکی)، مترسک<sup>۷</sup> (جری شاتزبرگ)، داستان عامه پسند<sup>۸</sup> (کوئنتین تارانتینو)، ترافیک<sup>۹</sup> (استیون سودربرگ) و ولگرد دراگ‌استورها<sup>۱۰</sup> (گاس ون سنت). در کنار این ده‌ها اثر قابل توجه دیگر نیز در زمینه اعتیاد و انواع مختلف آن در جهان ساخته شده است.

فیلم «یزی رایدر» به مواد توهم‌زا مانند ماری جوانا می‌پردازد. «قطار بازی» یکی از شاخص‌ترین فیلم‌ها درباره‌ی هروئین است. دنی بویل در فیلم با نگاهی نسبتاً فانتزی و هجوم‌آمیز، زشتی‌ها و پلشتی‌های اعتیاد را با تصویری تکان‌دهنده و مهوع نشان می‌دهد. فیلم درباره‌ی معتادی است که اعتیاد خسته شده و به دنبال راه گریز است اما دوستانش او را نمی‌کنند و او مدام در معرض مصرف قرار می‌گیرد. فصل ترک اعتیاد در این فیلم و کابوس‌ها و توهم‌هایی که آدم اصلی فیلم تجربه می‌کند بسیار تأثیرگذار و گاه تکان‌دهنده است. فیلم ساز به خوبی این درماندگی و نیاز را به وسیله تصاویر انتزاعی، تدوین درست و جلوه‌های بصری مناسب تداعی کرده است. «قطار بازی» فیلم بسیار تلخی است و لحظه‌های هولناکی را پیش رویمان می‌گذارد؛ هرچند که کارگردان تلاش کرده به بهای خلق فضایی فانتزی و جفنگ، زهر واقعی داستان را بگیرد. شخصیت‌های فیلم در لجن غوطه می‌خورند. هیچ ارزش اخلاقی باقی نمانده و هر گونه کج‌روی و ناهنجاری رفتاری را می‌شود در این آدم‌ها دید. (کاظمی و جعفرزاده، ۱۳۸۷: ۳۳ و ۳۶) «صورت زخمی» درباره کوکائین و داستان اوج و سقوط یک تبهکار

است. این فیلم کوکائین را از دو جنبه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. فیلم «کازینو» (مارتین اسکورسیزی، ۱۹۹۵) نیز از جمله فیلم‌هایی است به جنبه فردی مصرف کوکائین توسط نقش اول زن می‌پردازد.

«وحشت در نیدل پارک» با عنوان کنایه‌اش که مربوط به جایی در نزدیکی ایستگاه متروی برادوی در خیابان هفتادم غربی که به نام میدان شرم معروف است و در دهه ۶۰ پاتوق معتادان تزریقی است، به وضعیت نابسامان معتادان تزریقی می‌پردازد. سکانسی از فیلم به نمایش شیوه‌ی تزریق تکان‌دهنده‌ی به اصطلاح خون بازی می‌پردازد. این فیلم از جمله فیلم‌هایی است که به اعتیاد زنان نیز می‌پردازد.

«مرثیه‌ای برای یک رویا» یکی از درخشان‌ترین فیلم‌هایی است که درباره هروئین ساخته شده و به نوعی بر اعتیاد زنان متمرکز است. یکی از صحنه‌های تکان‌دهنده‌ی فیلم مربوط به زخم زشتی است که از تزریق مواد روی دست یکی از شخصیت‌های فیلم ایجاد می‌شود که منجر به فساد و قطع عضو می‌شود.

یکی از الگوهای کاربرد اعتیاد در سینما، داستان معتادی است که با اعتیاد می‌جنگد و پیروز می‌شود که معمولاً پای عشق نیز در میان است و انگیزه و بهانه‌ی این ترک است. از نمونه‌های موفق این الگوها «روی خط راه برو» (جیمز منگولد، ۲۰۰۵) است که به زندگی خواننده سبک کانتری مهم معاصر امریکا جانی کش می‌پردازد. فیلم «روزهای شراب و گل سرخ» (بلیک ادواردز، ۱۹۶۲) یکی از فیلم‌های موفق است که اعتیاد به الکل می‌پردازد، با تأکید بر اعتیاد شخصیت زن فیلم.

## مروری بر بازنمایی پدیده اعتیاد زنان در سینمای قبل

از انقلاب اسلامی: سینمای ایران از شروع دوره دوم حیات خود در سال ۱۳۲۷ در رویکرد به مسایل حاد اجتماعی، فارغ از نوع نگاه و سنجش کیفیت دیدگاه، همواره اعتیاد را به عنوان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های فروپاشی فرد و خانواده معرفی کرده، هرچند اغلب آن‌ها به نمایش کلیشه‌های تثبیت شده و برداشت‌های سطحی و عامیانه از اعتیاد و معتاد بسنده شده است. کم‌تر اثری یافت می‌شود که ریشه‌ها و عمق این فاجعه را جست و جو و طرح کرده باشد. در واقع بیش‌تر با شبحی از واقعیت رو به رو بوده‌ایم و نمونه‌ای کلیشه‌ای از تیپ معتاد دیده‌ایم. گذر زمان و پیشرفت نسبی سینما در ایران و حذف برخی قانون‌های دست و پاگیر ممیزی نیز

<sup>۶</sup>. Requiem for a Dream (2000) / Darren Aronofsky

<sup>۷</sup>. Scarecrow (1973) / Jerry Schatzberg

<sup>۸</sup>. Pulp Fiction (1994) / Quentin Tarantino

<sup>۹</sup>. Traffic (2000) / Steven Soderbergh

<sup>۱۰</sup>. Drugstore Cowboy (1989) / Gus Van Sant

<sup>۱</sup>. The Man with the Golden Arm (1955) / Otto Preminger

<sup>۲</sup>. Easy Rider (1969) / Dennis Hopper

<sup>۳</sup>. Trainspotting (1996) / Danny Boyle

<sup>۴</sup>. Scarface (1983) / Brian De Palma

<sup>۵</sup>. The Panic in Needle Park (1971) / Jerry Schatzberg

فیلم‌نامه و اجرای ضعیف بازیگران از نکته‌های منفی این فیلم‌ها بود و همین عوامل باعث می‌شد موضوع اعتیاد در آن‌ها جلوه چندانی نداشته باشد. از جمله فیلم‌هایی که در این دوره ساخته شد «بیر رینگ» (رضا بیگ ایمانوردی، ۱۳۴۳)، «دختر ولگرد» (آرام‌بیس آقامالیان، ۱۳۴۳)، «مزد خونین» (ناصر رفعت، ۱۳۴۴)، «ایمان» (مهدی رئیس فیروز، ۱۳۴۶) بود. دومین فیلمی که در سینمای ایران به اعتیاد زنان می‌پردازد فیلم «قصه دل‌ها» (حمید مجتهدی، ۱۳۴۸) ملودرامی درباره معتاد شدن دختری توسط مردی ته‌کار است. خواهر دوقلوی دختر با ترفندی به آن فرد نزدیک می‌شود و او را گرفتار قانون می‌کند و خواهر معتادش را هم برای درمان به بیمارستان می‌برد. از دیگر فیلم‌هایی که در این دوره ساخته شد می‌توان از جوانی هم‌عالمی دارد (عباس دستمالچی، ۱۳۴۹) و فرار از زندگی (رضا صفایی، ۱۳۵۱) است. فیلم «تشنه‌ها» (محمود کوشان، ۱۳۵۱) در دوره اوج فیلم‌های جوان‌پسند دهه ۱۳۵۰ ساخته شد و از اولین فیلم‌هایی بود که به رواج اعتیاد در بین جوانان می‌پرداخت، هرچند که این مضمون ملتهب‌فدای ساتی ماتالیسم مرسوم این قبیل فیلم‌ها شد. فیلم، داستان دختر جوانی است که با پسری جوان و معتاد آشنا می‌شود، فریب او را می‌خورد و خود نیز گرفتار بالای اعتیاد می‌شود و به سوی سرنوشت تراژیک می‌رود. (نوری پرتو، ۱۳۸۷: ۳۷)

فیلم «گوزن‌ها» (مسعود کیمیایی، ۱۳۵۴) نقطه عطفی در سینمای ایران بود. این فیلم جدا از ارزش‌های هنری اش، حرکتی چشم‌گیر در نشان دادن چهره اعتیاد در محدوده بسته و قراردادی سینمای ایران بود. فیلم در ممیزی تغییرهایی کرد و با تنزل شخصیت قدرت از یک چریک مبارز به یک دزد ساده بانک و تسلیم شدن قدرت و سید به نیروهای پلیس در پایان فیلم، اجازه نمایش گرفت. داستان فیلم از این قرار است که «قدرت» که بعد از دزدی تحت تعقیب است برای مخفی شدن نزد دوست زمان تحصیلش «سید» می‌رود. سید زمانی در مدرسه (دبیرستان بدر) قدرتی داشته ولی حالا سخت معتاد است. سید با زنی به نام «فاطمی» که در تئاتر کار می‌کند، زندگی مشترکی دارد. قدرت نمی‌تواند سید را از اعتیاد برهاند و کوشش‌های سید نیز برای نجات او نتیجه نمی‌دهد. آن دو که پس از سال‌ها یکدیگر را یافته‌اند می‌بینند که همه چیز تغییر کرده و حالا هر دو حسرت گذشته‌ها را می‌خورند. (امید، ۱۳۸۹: ۴۷۸)

تمام نشانه‌های مثبت شخصیت سید در گذشته‌اش دفن شده است قدرت با اشتیاقی آمیخته به حسی نوستالژیک از ابهت سید در میان بچه‌های دبیرستان «بدر» حرف می‌زند. در همان ابتدای فیلم و در ورود به حریم خصوصی سید، موجود نحیف و زبون را می‌بینیم که دوست قدیمی‌اش هیچ یک از نشانه‌های سابق را در او نمی‌یابد. با این که کنایه‌ها و اشاره‌های سیاسی و گزنده فیلم در بسیاری از فصل‌های آن، وجه غالب دارد، ولی بر خلاف فیلم‌های سبک و

نتوانست غبار ساده انگارانه‌ای را از سیمای معتادان یا پخش‌کنندگان مواد مخدر در فیلم‌های ایرانی پاک کند. اغلب این‌گونه تیپ‌سازی‌ها از لحاظ آموزشی و تربیتی نیز بار مناسی نداشته‌اند و گاه به گونه‌ای ناخواسته، ماهیت تبلیغی هم یافته‌اند. قهرمان این نوع فیلم‌ها به آسانی و با کمک یار و محبوبشان، خیلی زود و با بستن خود به تخت و حبس شدن در اتاق‌های در بسته و در عرض چند سکانس که موید گذشت چند روز است، اعتیاد خود را کنار می‌گذارند و به آغوش گرم خانواده برمی‌گردند و احیاناً مسببان فلاکت خود را هم به سزای اعمال‌شان می‌رسانند و به دست عدالت می‌سپرنند. کلیپ‌هایی هم که از دوران اعتیاد آن‌ها نشان داده می‌شد و می‌شود، صرفاً تصویرهایی کلیشه‌ای و نه چندان هولناک از خماری و نشنگی است به تناوب تکرار می‌شوند. اولین فیلمی که در سینمای ایران، به موضوع اعتیاد پرداخت فیلم «شب‌های تهران» سیامک یاسمی در سال ۱۳۳۲ بود. داستان زندگی زنی فریب خورده که کانون گرم خانواده‌اش از هم می‌پاشد. بعد از گذشت سال‌ها او که کاملاً در اعتیاد غرق و مطرود می‌شود، دخترش را در دامی مشابه می‌یابد، آن هم توسط کسی که که خود او را معتاد کرده بود. زن برای نجات دخترش، مسبب اعتیاد را می‌کشد و در دادگاه، همسر دادستانش که زمانی او را طرد کرده بود به یاریش می‌شتابد. در دهه ۱۳۳۰ و به خصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد پورقی‌ها و کتاب‌های جیبی با موضوع اخلاقی و خانوادگی رواج یافتند. «شب‌های تهران» نیز همچون بسیاری از فیلم‌های این دهه از همین فرمول‌های امتحان‌پس داده استفاده کرد. حتی مقوله اعتیاد زن نیز در حاشیه قرار داشت و تنها برای به بازی گرفتن بیش‌تر احساسات تماشاگران گنجانده شده بود و به راحتی می‌توانست حذف شود. اولین فیلمی که تا حدی چهره واقعی و جدی اعتیاد را نمایان کرد، «آفت زندگی» (مرفین) محمدعلی جعفری در سال ۱۳۳۹ بود. فیلم، داستان به اعتیاد کشیده شدن هنرمندی محبوب است؛ همانند سوژه فیلم «ستوری» مهرجویی. در این فیلم مانند اغلب آثار دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۴۰، سقوط اخلاقی قهرمان داستان و معتاد شدن او به حساب اغواگری‌های یک زن گذاشته می‌شود و در پایان، همسر و فرزند مرد هستند که همچون فرشته‌ای، او را از این منجلاب بیرون می‌آورند. این فیلم در نمایش تیره روزی‌های شخصیت اصلی داستان موفق عمل کرد و فیلم مورد توجه مردم و منتقدان قرار گرفت. با افزایش فشار ممیزی در دهه ۱۳۴۰، طرح موضوع اعتیاد، نوعی سیاه‌نمایی و انکار پیشرفت‌های به ظاهر چشم‌گیر صنعتی و اجتماعی به شمار می‌رفت. و سینماگران کم‌تر به این موضوع می‌پرداختند. اگر هم گوشه چشمی به این معضل اجتماعی داشتند، آن را در زیر پوسته داستان‌های عامه‌پسند و موعظه‌گر پنهان می‌کردند و از کند و کاو در عمق ماجرا پرهیز داشتند. عدم تسلط کارگردان، ضعف مفرط

پی می‌برد که دختر از او حامله شده و آن دو ناچارند برای سقط جنین به تهران بروند. از طرف دیگر نازنین که با خاله‌اش زندگی می‌کند، با او دچار مشکل است. خاله پس از اینکه از جریان فرار نازنین اطلاع پیدا می‌کند، دوست سابقش را به دنبال او به تهران می‌فرستد. در تهران، جوان و نازنین به سراغ دوستی قدیمی می‌روند که معتاد است و خود در ماجرای مشابه زندگیش درهم رخته و حالا با همان زن زندگی خوبی ندارد. به رغم نصایح مرد و زن، جوان بر تصمیمش مصر است. تا اینکه مرگ مرد، جوان و نازنین را به خود می‌آورد (امید، ۱۳۸۹: ۵۲۱)

«پشت و خنجر» (ایرج قادری، ۱۳۵۶) روایت‌گر انحطاط اخلاقی و سقوط مردی خانواده‌دار در ورطه‌ی اعتیاد است که مانند کلیشه‌های قراردادی این‌گونه فیلم‌ها توسط همسرش به زندگی و آرامش باز می‌گردد. در این فیلم پرفروش، قهرمان داستان با حبس کردن خود در زیرزمینی، به سرعت اعتیاد خود را ترک می‌کند و حتی لحن صحبت کردن و صدایش هم درست می‌شود! (نوری پرتو، ۱۳۸۷: ۳۸)

«خاتون» (رضا میرلوحی، ۱۳۵۶) داستان به ظاهر جذاب دختری را روایت می‌کند که از آرزویش که زندگی با پسر مورد علاقه‌اش است می‌گذرد و مردی را که مسبب اصلی اعتیادش است می‌کشد و پس از آن، خودش هم دست به خودکشی می‌زند. اگرچه اعتیاد قهرمان جوان فیلم، زمینه‌ساز تراژدی داستان است اما اعتباری هم به آن نمی‌بخشد و همه چیز در سطح و مشابه داستان‌های پاورقی‌ها و فیلم‌های جوان پسند آن سال‌ها باقی می‌ماند. «بوی گندم» (فرزان دلجو و امیر جاهد، ۱۳۵۷) داستان سیامک، اسماعیل و تقی در دو عامل با هم وجه اشتراک دارند: مسکن‌شان و حرفه‌شان (ویزیتوری). تقی معتاد است و سیامک همواره سعی دارد که او را از راهی که رفته بازدارد. ورود گندم دختری تنها و بیمار به زندگی سیامک، عشق را پی می‌ریزد. سیامک در نیمه راه عشق، برای تأمین هزینه‌ی معالجه‌ی دختر به قاچاق مواد مخدر روی آورده و درگیر همه‌ی مصایب، تنهایی و حقارت‌های ناشی از اعتیاد می‌شود. مقدمات سفر گندم برای معالجه آماده می‌شود و سیامک قصد ملحق شدن به دختر را دارد در راه فرودگاه، در جریان یک درگیری کشته می‌شود و تقی نیز در اثر استعمال بیش از حد مواد می‌میرد. بوی گندم از آن دسته فیلم‌هایی است که می‌توانست با تمرکز فیلم‌نامه‌اش بر موضوع اعتیاد و مخدر، حداقل در زمان خودش موفق باشد، ولی به دلیل رویکرد سازندگان به مؤلفه‌های بازاری و نگاه تک بعدی آن‌ها به این امر تحقق نمی‌یابد.

**مروری بر بازنمایی پدیده اعتیاد زنان در سینمای بعد از انقلاب اسلامی:** در سکانس‌هایی از «دایره مینا» (داریوش مهرجویی، ۱۳۵۴) که در سال ۱۳۵۷ پس از چند سال توقیف بر

بی‌مایه پیش از خودش، مقوله اعتیاد زیر سایه پیام اثر قرار نگرفته و حالتی شعاری نیز پیدا نکرده است. فیلم چه در زمان خودش و چه پس از آن همواره بحث‌انگیز بوده و همیشه در بحث‌های مربوط به تصویر اعتیاد در سینمای ایران، از شخصیت سید و تصویری که فیلم از شخصیت واقعی یک معتاد ارائه می‌کند یاد شده است. (نوری پرتو، ۱۳۸۷: ۳۷)

فیلم «کندو» (فریدون گله، ۱۳۵۴) داستان زندانی است به نام ابی که از زندان آزاد می‌شود و این مصادف است با آزادی زندانی دیگری به نام حسین که هفده سال را در زندان به سر برده است. تنهایی و وجه مشترک بزرگ این دو است. هیچ کدام هدف معینی ندارند و در یک قهوه‌خانه در جریان بازی ترنا، حسین حاکم می‌شود و به تمسخر حکم می‌کند که ابی از جنوب شهر حرکت کند که ابی از جنوب شهر حرکت کند و در کافه‌های بین راه مجاناً مشروب بنوشد و غذا بخورد. ابی تصمیم می‌گیرد که حکم حسین را اجرا کند، در پایان این سفر ابی به قهوه‌خانه بر می‌گردد. (امید، ۱۳۸۹: ۴۸۳)

قهوه‌خانه فیلم «کندو» تالاری واقعی از آدم‌های مطرود و زخمی جامعه آن روزها است. در این میان، تصویرهایی که کارگردان از معتادان حاضر در است و با بافت قصه، هم‌خوانی دارد، به طوری که مرگ یکی از همین معتادان، تأثیر بیننده را بر می‌انگیزد. در حاشیه بودن این معتادان در مقایسه با شخصیت‌های اصلی در قهوه‌خانه که خود نمادی از جامعه زمانشان هستند اشاره‌ای تلویحی است به سایه ماندن این نوع آدم‌ها (نوری پرتو، ۱۳۸۷: ۳۸)

در سال‌های نزدیک به پیروزی انقلاب، سینمای تجاری ایران آخرین نفس‌های خود را می‌کشد و سهم فیلم‌هایی با موضوع اعتیاد، بسیار اندک بود. «گل خشخاش» (محمو کوشان، ۱۳۵۵) داستان تکراری مباشر بد طینت فرد ثروتمندی است که با دسیسه اربابش را به قتل رسانده و آن را یک حادثه جلوه می‌دهد. پسر و دختر او را معتاد و مقروضشان کرده و سپس همه‌ی دارائی‌شان را تصاحب می‌کند. اما در نهایت جوانی که شیفته دختر است آن‌ها را یاری می‌دهد تا دوباره خود را بازباند و در این حال برادر دختر گرچه کشته می‌شود ولی پیش از آن مباشر تبهکار پدرش را گرفتار قانون می‌سازد. در این فیلم نیز اعتیاد دو شخصیت تنها بهانه‌ای است برای قهرمان پروری‌های کاذب و تماشگر پسند. «نازنین» (علیرضا داودنژاد، ۱۳۵۵) که از آخرین تولیدات سینمای موج نوی قبل از انقلاب است، داستان جوانی است که با خانواده‌اش در بندر انزلی زندگی می‌کند، با رفتار نامناسبی که دارد مدام با مشکلاتی روبروست. او دنبال کاری نیست و سال‌هاست که به خدمت وظیفه سربازی مشغول است. چون بارها و بارها از خدمت وظیفه فراری شده و به طول مدت سربازی او افزوده‌اند. در یکی از دفعاتی که جوان به شهرش باز می‌گردد در ملاقات با دوست دخترش نازنین

خانواده‌اش، به دست یکی از اعضای سابق گروه ارکسترش که توسط او معتاد شده، کشته می‌شود. فیلم با وجود نمایش تیره روزی‌های یک خانواده معتاد، نتوانست از قالب رایج سینمای تجاری فاصله بگیرد. (همان: ۷۹)

«سیاه راه» (کوپال مشکوه، ۱۳۶۳) داستان مردی مرفه است که برای درمان دو پسر معتادش، فرخ و فریدون، آن‌ها را در اتاقی حبس می‌کند. در پایان، فرخ که به همسرش بدبین است به دلیل جنون ناشی از خماری، او را می‌کشد و بعد دست به خودکشی می‌زند. در این فیلم، رویکرد کلی فیلم‌نامه‌نویس به اعتیاد و پیامدهای آن، بار دیگر فدای سهل‌انگاری و عدم رعایت قواعد دراماتیک و شخصیت پردازی آشفته‌اش شده و توجه چندان‌ی را به خود جلب نمی‌کند؛ همچنین افراط در نمایش خماری‌ها و نشئگی‌های پی‌درپی باعث ایجاد دافعه در تماشاگر می‌شود. با تنظیم دستورالعمل‌ها و قانون‌های مدون سینمایی در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰، روند نظارت بر فیلم‌ها شکلی جدی به خود گرفت و تا حدود یک دهه بعد، کم‌تر فیلمی دیده شد که فقط به معتادان، فارغ از نمایش باندهای مواد مخدر، بپردازد. از جمله این فیلم‌ها می‌توان اسارت (کارگروهی، ۱۳۶۴) را نام برد.

«شب شکن» (خسرو ملکان، ۱۳۶۴) داستان مرتضی، هنرمند نقاشی است که برای تهیه مواد مخدر مورد نیازش باید برای یک قاچاقچی خرده پا به نام کریم مشتری پیدا کند. او به کمک دوست دوران مدرسه‌اش رسول، سرانجام تصمیم چند ساله‌اش مبنی بر ترک اعتیاد را عملی می‌کند و گروه قاچاقچیان را به مأموران لو می‌دهد، ولی قبل از رسیدن نیروهای پلیس، کریم به دست همسر معتادش کشته می‌شود. (همان: ۴۰).

«تاراج» (ایرج قادری، ۱۳۶۴) یکی از شاخص‌ترین فیلم‌های این عرصه است که برای بسیاری از سازندگان فیلم‌های حادثه‌ای با مضمون قاچاق مواد مخدر، الگویی برای موفقیت تجاری را ارائه کرد. زینال بندری، یک قاچاقچی حرفه‌ای که با پرداخت رشوه از اعدام فرار کرده، پس از آزادی از زندان دوباره به کار قاچاق مواد مخدر روی می‌آورد ولی این بار حاضر به همکاری با مسئولان وقت می‌شود و به ظاهر ستوان احمد احمدی را در دستگیری و اعدام قاچاقچیان خرده پا راهنمایی می‌کند، اما در واقع سرپرستی باندهای بزرگ هروئین را زیر نظر وابستگان به دربار به عهده می‌گیرد و این در حالی است که متوجه می‌شود پسرش صبری، به هروئین معتاد شده است. او این بار به خود می‌آید و با کمک احمد تصمیم می‌گیرد عده‌ای از بلند پایگان رژیم را که در هدایت این باندها دست دارند، بکشد. ولی در این راه موفقیت چندان‌ی به دست نمی‌آورد و هر دو در محاصره مأموران کشته می‌شوند. (این فیلم بسیار موفق بود و تیپ زینال بندری با سر طاس بسیار محبوب شد و حضور تیپ‌های مشابه آن در فیلم‌های با مضمون مواد مخدر باب شد.

پرده آمد نیز به معتادانی اشاره می‌شود که برای گذران زندگی و تأمین هزینه‌ی مواد مخدر مورد نیازشان حاضر به فروش خون خود شده‌اند. این بخش با نگاه مستند گونه‌ی مهرجویی، رنگ و بویی واقعی و تکان‌دهنده به خود گرفته است. (نوری پرتو، ۱۳۸۷: ۳۸)

«زرخزید» (رضا صفایی، ۱۳۵۸) داستان مردی است که به خاطر اعتیاد به یک گروه قاچاقچی می‌پیوندد و در نتیجه دسیسه‌های اعضای یک باند به زندان می‌افتد. او سال‌ها بعد و پس از آزادی، پسر خود را هم گرفتار همین باند می‌بیند و با اقدامی به موقع، تبهکاران را گرفتار قانون می‌کند و پسرش را نجات می‌دهد. این فیلم نیز با داستان تکراری تنها برای افزودن بر هیجان فیلم و جذب مخاطب، جریان اعتیاد مرد و پسرش را به فیلم افزوده است (همان، ۳۹).

«امشب اشکی می‌ریزد» (منوچهر مصیری، ۱۳۵۹) که از ماجرای به ظاهر واقعی و بر اساس پاورقی مشهوری به همین نام ساخته شده، داستان دختر معتاد را به تصویر می‌کشد که با زندانی شدن محبوبش تنهاتر می‌شود و روزه روز بیش‌تر در منجلاب اعتیاد فرو می‌رود. و سرانجام خودکشی می‌کند. زندگی دختر معتاد تنها نیمی از زمان فیلم را به خود اختصاص می‌دهد و نیمی دیگر از آن به اتفاق‌هایی می‌پردازد که برای محبوب دختر پس از آزادی از زندان رخ می‌دهد. روایت مغشوش و نگاه سطحی و عامه پسند به مسأله اعتیاد باعث فاصله گرفتن فیلم از حد اثری قابل قبول شده است (همان: ۳۹).

«از فریاد تا ترور» (منصور تهرانی، ۱۳۵۹) داستان سه بار دبستانی را روایت می‌کند که پس از پانزده سال یکدیگر را پیدا می‌کنند و یکی از آن‌ها معتاد شده و در آخر کار نیز در جوی بدون آب خیابان جمشید جان می‌دهد. این داستان به شدت تحت تأثیر فیلم گوزن‌هاست. (همان، ۳۹)

«مسافر شب» (منصور تهرانی، ۱۳۵۹) فیلم دیگری از این فیلم‌ساز است که اکران نشد. داستان پسری است که برای تحصیل و خارج از کشور می‌رود و معتاد می‌شود و در بازگشت به جرم قاچاق مواد مخدر زندانی می‌شود و جوانی انقلابی به جای او اعدام می‌شود و همین امر او را متحول می‌کند.

«پنجمین سوار سرنوشت» (سعید مطلبی، ۱۳۶۰) نیز مجوز اکران نگرفت. این فیلم داستان جوان ورزشکاری است که عضو گروه مبارز مذهبی است که توسط نیروهای نفوذی ساواک معتاد می‌شود و پس از دستگیری، هم مسلکیان خود را لو می‌دهد. در نهایت پدرش پس از جست‌وجوهای زیاد در مکان‌هایی که پاتوق قاچاقچیان است، او را در خانه فساد می‌یابد و برای نجات او تلاش می‌کند. (همان: ۳۹)

«زخمه» (خسرو ملکان، ۱۳۶۲) داستان زندگی حسن سنتوری، نوازنده معتاد ارکستر رو حوضی است که پس از انقلاب به دلیل بیکاری مجبور می‌شود برای تأمین مواد مخدر، پسرش را وارد کار قاچاق کند و خود نیز پس از طرد شدن از سوی زن معتادش و

پایان در ترک اعتیاد به شاگردش کمک می‌کند. در دبیرستان نیز توسل به کلیشه‌های سینمای اعتیاد و مواد مخدر، حرف اول را می‌زند و با وجود داستانی روان و جذاب برای تماشاگر عام، به لحاظ پرداختن به معضل اعتیاد، در سطحی پایین قرار می‌گیرد.

«بی پناه» (علیرضا داودنژاد، ۱۳۶۵) داستان زندگی زنی است که از همسر معتادش جدا شده و در برخورد با مردی به نام مرتضی کارش به ازدواج مجدد می‌کشد. زن رازی را از مرتضی پنهان می‌کند. اما شوهر سابق اعظم برای نگهداری فرزندشان با او تماس می‌گیرد. نهایتاً مرتضی از ماجرا مطلع می‌شود و با تمهیداتی شوهر را معالجه و به زندگی باز می‌گرداند و موجبات گردهم آمدن خانواده اعظم را فراهم می‌کند.

در «ویزا» (بهرام ری پور، ۱۳۶۶) شخصیت معتاد فیلم که بازیگر تئاتر است در حاشیه قرار دارد و محور داستان چیز دیگری است. «طوبی» (خسرو ملک‌ان، ۱۳۶۷) داستان زنی به نام طوبی است که به خاطر حمل مواد مخدر برای شوهرش به زندان افتاده و پس از آزادی متوجه می‌شود که شوهرش فرزند خردسال‌شان را به خانواده‌ای دیگر فروخته و در ابتدای فیلم شوهر معتاد طوبی دست به خود سوزی می‌زند و داستان به سمت دیگری می‌رود.

«گالان» (امیر قویدل، ۱۳۶۹) داستان تکراری و زورشکاری است که معتاد می‌شود ولی سرانجام با کمک دوستش به زندگی بر می‌گردد. «نرگس» (رخشان بنی‌اعتماد، ۱۳۷۰) داستان زندگی دو دزد خرده پا به نام عادل و آفاق است که با ورود نرگس که با عادل ازدواج می‌کند، همه چیز تغییر می‌کند. معتاد است ولی جز یک اشاره کوتاه چیزی در مورد اعتیاد آفاق نمی‌بینیم.

«بلور خون» (جمشید عندلیبی، ۱۳۷۱) بر اساس داستانی واقعی ساخته شده که در آن مردی معتاد با همکاری دوست قماربازش سه راننده کامیون را می‌کشد و سرانجام نیز دستگیر و اعدام می‌شود.

«طمعه» (فرامرز صدیقی، ۱۳۷۱) با تأکید بر مضمون اعتیاد و قاچاق مواد مخدر و رفاقت‌های مردانه ساخته شده و داستان افسر پلیسی است که در جریان بازجویی از باند قاچاق مواد مخدری که دستگیر می‌کند متوجه می‌شود معلم سابقش نیز عضو این باند است. معل با کمک افسر جوان اعتیادش را ترک می‌کند اما دوباره بوسیله رئیس باند معتاد می‌شود. در پایان رئیس باند کشته می‌شود و باند نابود می‌گردد. جریان ترک اعتیاد و معتاد شدن از طریق تزریق اجباری بسیار باسهم‌ای و کلیشه‌ای از آب درآمده است.

«سهراب تا سهراب» (عباس شیخ بابایی، ۱۳۷۲) این فیلم محصول تلویزیون است و هرگز اکران عمومی نشد و تنها در جشنواره فجر به نمایش درآمد. فیلم داستان پیرمردی قاچاقچی و معتاد است که قصد دارد از طریق جوانی که به جرم اعتیاد و قاچاق به زندان افتاده، مواد مخدر را وارد زندان کند.

«خانه ابری» (اکبر خواجه‌بوی، ۱۳۶۵) داستان زنی است که سال‌هاست به تنهایی سه فرزندش را سرپرستی می‌کند و زندگی خوب و سالمی برای فرزندانش فراهم آورده است. او می‌خواهد دختر بزرگش را به خانه بخت بفرستد و در تدارک جهیزیه است که امیر از راه می‌رسد. او در جواب پرسش‌ها و گلایه‌های خانواده‌اش سعی می‌کند به هر طریقی شده غیبت چهارساله‌اش را توجیه نماید. زن به خاطر انسجام خانواده و علاقه فرزندانش به پدر می‌پذیرد بار دیگر با همه‌ی مشکلاتی که مرد به علت اعتیادش به وجود می‌آورد با او زندگی کند. به امید اینکه سلامت‌ش را به دست بیاورد و پدر ایده آلی برای فرزندانش باشد. مرد دوباره همه چیز را بهم می‌ریزد و زن به خاطر حفظ خانواده با تمام توان مقاومت می‌کند و برای پرداخت بدهی‌هایش به خسرو که قاچاقچی است به او کمک می‌کند. در پایان امیر برای ترک اعتیاد اقدام می‌کند. این فیلم بیش‌تر برای ارائه تصویری تقریباً واقعی از زن دردمند ایرانی، مورد استقبال منتقدان قرار گرفت تا رویکرد کلیشه‌اش به اعتیاد.

در «تیغ و ابریشم» (مسعود کیمیایی، ۱۳۶۵) یک تریلی حامل مواد مخدر به سمت تهران در حرکت است و هم‌زمان با آن، بازپرس جلالی از زوجی جوان و تحصیل کرده، جمشید و همسر معتادش سوسن، بازجویی می‌کند که به نحوی با این توطئه در ارتباط هستند. سوسن بر اثر شدت خماری در بازداشتگاه خودکشی می‌کند و همین اتفاق باعث می‌شود جمشید، عامل اصلی قاچاق را که پدرش است، به بازپرس جلالی معرفی کند. در فصل‌های حضور سوسن و جمشید در بازداشتگاه که به شکلی موازی با فصل‌های مربوط به قاچاقچیان در فیلم گنجانده شده، کیمیایی می‌گوید که که ثمره حمل چنین موادی، در سوسن و سوسن‌ها به بار می‌نشیند. بخش موفق فیلم، نمایش خماری سوسن است که به لطف پرداخت مؤثر کیمیایی و بازی درخشان فریما فرجامی، تکان‌دهنده از کار درآمده، اما شعارهای بازپرس جلالی در جای جای فیلم، به شدت به کار لطمه زده است. در کل فیلم تیغ و ابریشم اثری در مایه‌های آشنای سینمای مواد مخدر بود که ردپای کیمیایی در برخی فصل‌های آن، هرچند به شکلی کم رنگ، به چشم می‌خورد (همان: ۴۰).

«دبیرستان» (اکبر صادقی، ۱۳۶۵) داستان زندگی معلمی جوانی است که اعتیادش را ترک کرده و قصد دارد سالم زندگی کند. او متوجه می‌شود که یکی از شاگردانش (مسعود) به هروئین معتاد است و در ازای دریافت مواد مورد نیازش برای مردی قاچاقچی که به کمک یکی از مقام‌های محلی در وارد کردن مواد مخدر به داخل شهر دست دارد، از میان شاگردان دبیرستان محل تحصیلش برای او مشتری پیدا می‌کند. علی با وارد شدن در زندگی مسعود، پی می‌برد که خواهر او نیز به تریاک معتاد است. علی در مبارزه با مرد قاچاقچی، پس از درگیری در قطار، سبب مرگ او می‌شود و در



فیلم «مجازات» (جهانگیر جهانگیری، ۱۳۷۳) در واقع کپی نعل به نعل گوزن‌هاست بعلاوه مقداری اکشن و خشونت.

«باد و شقایق» (سیدضیاءالدین دری، ۱۳۷۷) داستان بازیگری مشهور است که به علت اعتیاد از کار اخراج می‌شود. بازیگر تلاش دارد ترک کند و به زندگی قبلی برگردد که متوجه می‌شود دچار بیماری ایدز شده است. این فیلم با وجود پرداختن به اعتیاد و بیماری ایدز و تأکید بر بیمار شدن معتادان از طریق سرنگ‌های آلوده بر اثر تأکید بر وجه پیام رسانی موفق عمل نکرده است.

در «عشق طاهر» (محمدعلی نجفی، ۱۳۷۹) سعید پورصمیمی نقش معتادی را بازی می‌کند که در واقع زمانی مهندس پول‌داری به نام مینویی بوده که به وسیله پیشکار به ظاهر موجهش طاهر، معتاد شده و تمام ثروتش را از دست داده است.

در فیلم‌های «شوکران» (پهروز افخمی، ۱۳۷۹)، «بلوغ» (مسعود جعفری جوزانی، ۱۳۷۹)، «دست‌های آلوده» (سیروس الوند، ۱۳۷۹)، «نسل سوخته» (رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۷۹) و «آقای رئیس‌جمهور» (ابولقاسم طالبی، ۱۳۸۰) اشاره‌ای به اعتیاد شخصیت‌های فرعی فیلم شده است. فیلم «قارچ سمی» (رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۸۱) اشاره‌ای به تزریق اجباری مواد هم سلولی‌های دومان قائمی شخصیت اصلی فیلم در زندان دارد. در فیلم «مانی و ندا» (پرویز صبری، ۱۳۸۱) کسری معتاد است و در نهایت نیز می‌میرد اما به علت شخصیت‌پردازی ضعیف ما از رفتارهای کسری اعتیاد او را تشخیص نمی‌دهیم.

در «نگین» (اصغر هاشمی، ۱۳۸۱) تمام شخصیت‌های اصلی به نوعی با اعتیاد و مواد مخدر سر و کار داشته‌اند و دارند اما بنا به مناسبات تجاری و نیز رویکرد فیلم به معضل دختران فراری، بار دیگر با نگاهی نه چندان جدی با مسأله اعتیاد مواجه شده است. آذر که به جرم قاچاق مواد مخدر به حبس ابد محکوم شده، پی می‌برد که دخترش معتاد شده و از خانه فرار کرده است. به همین دلیل او از زندان می‌گریزد و از ندا که خود به دلیل اعتیاد، مدتی را در زندان در کنار آذر سپری کرده بود و حالا زندگی سالمی را در پیش گرفته، کمک می‌گیرد.

در فیلم‌های «ساقی» (محمدرضا علامی، ۱۳۷۹)، «بی همتا» (جهانگیر جهانگیری، ۱۳۸۱) و «بمانی» (داریوش مهرجویی، ۱۳۸۱) نقش معتاد در حاشیه قرار گرفته و به مسأله اعتیاد پرداخته نمی‌شود. در «اعتراض» (کیمیایی، ۱۳۷۹) یکی از شخصیت‌ها جوانی معتاد به نام قاسم است که اشاره‌ای کوتاه به گذشته او می‌شود، اما به دلیل تعدد شخصیت‌های اثر، مجال برای پرداخت بیش‌تر به او مهیا نمی‌شود و تنها در فصل‌های آخر فیلم شاهد کمک دوستش رضا هستیم تا بتواند راحت‌تر اعتیادش را ترک کند. البته فقط این را می‌بینیم که رضا آرام بخش به او تزریق می‌کند و از مرارت‌های

دوران ترک هم تنها شاهد عرق کردن قاسم هستیم.

در «خانه‌ای روی آب» (بهمن فرمان‌آرا، ۱۳۸۲) شخصیت اصلی داستان دکتر سپید بخت با اعتیاد پسر تازه از فرنگ برگشته‌اش مواجه می‌شود. پسر برای ترک اعتیاد به پدرش امید دارد. در جایی از فیلم دکتر سپید بخت در جست‌وجو برای پسرش با معتادی مواجه می‌شود که او را با پسرش اشتباه می‌گیرد. معتاد جمله شعاری به او می‌گوید: اگه پسر تو دیدی بهش بگو عشق و اراده رو جیغ بزنه تا اعتیاد فرار کنه، که انتقادهای زیادی به دیالوگ شعاری شد.

در فیلم «این زن حرف نمی‌زند» (احمد امینی، ۱۳۸۲) اشاره‌ای به دو شخصیت معتاد که با وجود وجه منفی اعتیاد شخصیت پذیرفته شده‌ای برای تماشاچی دارد.

در فیلم «نفس عمیق» (پرویز شهبازی، ۱۳۸۲) تنها اشاره‌ای کوتاه به این می‌شود شخصیت‌های اصلی داستان زمانی مواد مصرف کرده‌اند یا کماکان استفاده می‌کنند، می‌شود.

در «آدمک‌ها» (علی قوی‌تن، ۱۳۸۲) مراد از زندان آزاد می‌شود و در پارکی به مردی معرکه‌گیر و معتاد و فرزند او برخورد. با مرگ مرد معتاد، سرنوشت مراد با عاقبت فرزند مرد گره می‌خورد.

در «بوتیک» (حمید نعمت‌اله، ۱۳۸۳) یکی از شخصیت‌ها به نام آقا شاپوری مرد عیاشی است که تریاک مصرف می‌کند مهرداد، مواد فروشی است که خودش هم معتاد است و همسرش نیز پنهانی مشروبات الکلی می‌فروشد. در جایی از فیلم آقا شاپوری از گذشته جهان شخصیت اصلی فیلم می‌گوید که پنهانی مواد مصرف می‌کرده است. نقش مهرداد از جمله نقش‌های منحصر به فرد و تأثیرگذار معتاد در سینمای ایران است.

در فیلم‌های «شهر زیبا» (اصغر فرهادی، ۱۳۸۳)، «زهر غسل» (ابراهیم شیبانی، ۱۳۸۳)، «مهمان مامان» (داریوش مهرجویی، ۱۳۸۳) و «برگ برنده» (سیروس الوند، ۱۳۸۳) نیز شخصیت‌های معتاد وجود دارند.

در «سربازهای جمعه» (مسعود کیمیایی، ۱۳۸۳) علت گرایش دختری به نام نقره به اعتیاد، عشق نافرجام او به استاد مقتولش بیان می‌شود. مهرداد که به نقره علاقه دارد، با لذتی سادیستی (که علت آن مبهم است) هروئین را در رگ‌های دختر تزریق می‌کند و او را بیش از پیش گرفتار خودش می‌کند. تک‌گویی‌های طولانی و خسته‌کننده نقره در شرح مصایبی که بر او رفته و نیز نمایش بی‌پرده تزریق هروئین (که اعتراض‌هایی را نیز در پی داشت) کارکردی عکس پیدا کرده است.

«شبانه» (امید بنکدار و کیوان علی‌محمدی، ۱۳۸۴) نیز تنها در ابتدای فیلم در یک پارتی شبنم شخصیت اصلی فیلم همراه دوستانش قرص روان‌گردان استفاده می‌کنند. این فیلم در سال ۱۳۸۷ اکران شد و تنها به مصرف مواد مخدر (قرص روان‌گردان)

### چارچوب نظری تحقیق

نظریه زندگی‌مدار: نظریه زندگی‌مدار بر عوامل روان‌شناختی در سوء مصرف‌کنندگان مزمن مواد متمرکز است. این نظریه از این لحاظ مبتنی بر شخص است که متوجه فرد با همه پیچیدگی‌ها و منحصر به فرد بودنش است. ایده‌هایی که این نظریه در بردارد قانون‌های رفتار نیستند، بلکه ایده‌هایی هستند که ما را به فهم تک‌تک انسان‌ها رهنمون می‌شوند. این نظریه ضمناً از این لحاظ متمایز است که توجه را به اهمیت جنبه‌های ربانی تجربه انسانی جلب می‌کند. تا حدودی، ربانی به معنی روحانی است و منظور از آن گرایش عام انسانی به فهم جهان و خود به نحوی جان‌گرایانه است. در مورد مصرف و سوء مصرف مواد، عوامل وجدآمیز وقتی آشکارتر می‌شوند که مصرف‌کنندگان، خواصی جادویی یا عرفانی برای مواد قائل شوند یعنی وقتی که مواد جزعی از مناسک مذهبی می‌شوند یا وقتی که چنین موادی ابزاری تلقی می‌شوند که برای ایجاد تجربی استعلایی به کار می‌آیند (که اصطلاح مرسوم نشئگی متأسفانه برای توصیف آن کفایت نمی‌کند). عوامل ربانی در زندگی هر کسی وجود دارد و تشخیص و فهم آن‌ها واجد اهمیت است. (زکریایی، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

نظریه خرده فرهنگ مواد مخدر: این دیدگاه نظریه‌ای میان برد است. این دیدگاه می‌کوشد تا از طریق: (۱) پرداختن به مفاهیم بنیادین جامعه‌شناختی (نظیر ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و...)، (۲) توصیف محتوای این مفاهیم آن طوری که مبنای استفاده غیر مجاز از مواد مخدر هستند، (۳) پیوند تحلیلی این مفاهیم به منظور آزمودن نظریه‌ها، (۴) گنجاندن بینش‌های مهم از سایر نظریه‌ها و یافته‌های تجربی که تا به حال انجام شده‌اند، و (۵) اشاره به خصوصیات منحصر به فرد این دیدگاه که تا کنون در سایر دیدگاه‌ها مطرح نشده، این جهت‌گیری عام نظری درباره استفاده غیرمجاز از مواد مخدر را مطرح سازد. در نهایت، این دیدگاه مشخصاً جامعه‌شناختی است و هیچ تلاشی در جهت استفاده از نظریات روان‌شناختی، زیست‌شناختی یا دارو شناختی درباره مصرف مواد مخدر ندارد، اگرچه با دیدگاه‌های مطرح شده در برخی نقاط هم‌پوشانی دارد. این نظریه بر گروه همالان و رقابت در گروه همالان تأکید دارد. فرهنگ همالان الگوهای رفتار جوانی و گروه‌های دوستی را هدایت می‌کند. هنجارهای رفتاری این گروه‌ها بر وفاداری، حفظ پیوند گروهی، تعامل در فضاهای بدون کنترل والدین، مسابقه بر سر پایگاه و حفظ پرستیژ که موجب بروز نوآوری می‌شود، تأکید دارند. از خرده فرهنگ‌های رفتارهای غیر متعارف می‌توان خرده فرهنگ مواد مخدر را نام برد. این خرده فرهنگ بروز رفتار مجرمانه را افزایش می‌دهد. در فرهنگ همالان یا سایر خرده

می‌پردازد و نه اعتیاد. در واقع موضوع مصرف مواد به نوعی برای شروع داستان به عنوان عنصری روایی به کار رفته و در فیلم به این پدیده پرداخته نمی‌شود.

«شمعی در باد» (پوران درخشنده، ۱۳۸۳)، «آکواریوم» (ایرج قادری، ۱۳۸۴)، «پشت و خنجر» (ایرج قادری، ۱۳۸۴)، «گرگ و میش» (قاسم جعفری، ۱۳۸۵) و «قتل آنلاین» (مسعود آب‌پرور، ۱۳۸۵)، سعی دارند رواج انواع جدید مواد مخدر را به تصویر بکشند. در فیلم «اخراجی‌ها» (مسعود دهنمکی، ۱۳۸۵) نیز یک شخصیت معتاد وجود دارد که به عنوان عنصری کم‌دی از او استفاده می‌شود. «رئیس» (کیمیایی، ۱۳۸۵) شخصیت فرشته معتاد است و علت اعتیاد خود را دوری از همسر سابقش رضا می‌داند. سیامک پسر رضا و طلا که یکی از مشتری‌هایش است، معتاد و مواد فروش است.

«خون بازی» (رخشان بنی‌اعتماد، ۱۳۸۵) یکی از بهترین نمونه‌های تاریخ سینمای ایران در زمینه اعتیاد است که عمق نکبت و رنج یک معتاد را به نمایش می‌گذارد. فیلم راوی داستان دختری به نام سارا است که به همراه مادرش سفری را برای ترک اعتیاد آغاز می‌کند و در این میان شرح سختی‌های این دو نفر با تأکید بر تمام جزئیات، مسیر حرکتی فیلم‌نامه را شکل می‌دهد. بنی‌اعتماد نقش عنصر تحقیق را در پیدایش فیلمش مهم می‌داند. نمایش خماری و نشئگی و خواری سارا برای تهیه مواد مورد نیازش سبب می‌شود که خون بازی در تمرکز بر پلیدی‌های دنیای تاریک معتادان، اثری قابل قبول باشد.

«ستوری» (داریوش مهرجویی، ۱۳۸۵) که اکران عمومی نشد روایت خواننده و نوازنده ستوری است که به علت موجز نگرفتن آلبومش کم کم معتاد می‌شود و همسرش را که با جوان و بولونبستی آشنا شده، از دست می‌دهد. سرانجام علی سر از محله کارتون خواب‌ها در می‌آورد. در پایان فیلم پدر علی به کمکش می‌شتابد و او را به کلینیک ترک اعتیاد می‌برد. فیلم ستوری اثری موفق در زمینه اعتیاد به شمار می‌رود.

در «صداها» (فرزاد موتمن، ۱۳۸۸) روایت چند زندگی به طور موازی روایت می‌شود. در یکی از این داستان‌ها دختر جوانی که تنها زندگی می‌کند و قصد رفتن به خارج از کشور را دارد، معتاد است.

«سلام بر عشق» (اصغر نعیمی، ۱۳۸۸) داستان مردی است به نام نادر که خلاف را کنار گذاشته و با خوانندگی زندگی‌اش را می‌گذراند. برادرش او را وسوسه می‌کند تا در یک سرقت با او همکاری کند. که نادر سرانجام می‌پذیرد. میترا که یکی از اعضای این باند است. عاشق نادر است و معتاد به کوکائین است. میترا در پایان فیلم در جریان سرقت کشته می‌شود.

تنهایی بلکه در رابطه با دیگران یعنی خانواده، دوستان و غیره می‌میرد. (پتیسون، ۱۹۷۷)

(کاستن بام و آیزنبرگ، ۱۹۷۲) عنوان کردند که عضو محتضر پایگاه خاص در خانواده به دست می‌آورد و حتی به صورت سمبولیک همه نیاکان در گذشته درمی‌آید، دیدگاهی که اولین بار توسط (اسلاتر، ۱۹۶۴) مطرح شد. وی به مردمی برخورد که دور یک جسد، در مراسم تشیع جنازه جمع شده بودند و به ابراز علاقه و دل بستگی می‌کردند. کاستن بام و آیزنبرگ به این مفهوم این نکته را افزودند که مرگ فرآیندهای میان کنشی گروهی را سرعت می‌بخشد البته با توجه دادن به این نکته که فرد در حال احتضار نیز در مناسک خاص مرتبط با وضعیت لاعلاج مشارکت می‌کند. این امر سبب می‌شود که شخص محتضر در مرگ خود مشارکت کند. نویسندگان دریافته‌اند که هر چه فرد به مرگ نزدیک‌تر باشد احتمال آنکه بخشی فعال در فرآیند مذکور باشد بیش‌تر است. (کلمن، ۱۳۸۴: ۱۳۶-۱۳۷)

ماهیت کارکردی و هدفمند مرگ حاکی از آنست که مرگ ممکن است انواع دیگر رفتار را به وجود آورد. اخیراً (آیزنشتات، ۱۹۷۸) نظریه ارتقاء روحی را به عنوان نتیجه مصیبت والدین مطرح کرده است. آیزنشتات می‌گوید که نوعی فرآیند سوگواری خلاق وجود دارد که مرتبط است با سلسله حوادثی که از طریق آن، فقدان باعث بحرانی می‌شود که فرد داغ دیده باید بر آن غالب شود. اگر بحران از سر بگذرد، یعنی اگر عناصر ویران‌گر و ویژگی‌های پریشان‌کننده تجربه مصیبت خنثی شوند، آنگاه محصولی خلاق یا شخصیتی که به نحو خلاقانه‌ای انسجام یافته است حاصل می‌شود. آیزنشتات مطرح می‌کند که یک متغیر عمده میانجی بین مرگ یکی از والدین و میل به شهرت، برجستگی و امتیازات شغلی، ماهیت واحد خانواده است که مقدم بر دوره مخرب مرگ است. نویسندگان نظریه خود را بر ابرسازی تاریخچه‌های ۶۹۹ نفر از افراد سرشناس استوار ساختند که فقدان یکی یا هر دو والدین خود را تجربه کردند. داده‌های مقایسه‌ای مربوط به یتیمان از جمعیت کلی، یعنی اطلاعات آماری دلالت بر آن دارد که گروه سرشناس، میزان بسیار بیش‌تری از فقدان والدین را داشته‌اند. با این حال مقایسه‌هایی که با گروه‌های خلاف کار انجام گرفت، نشان داد که آن‌ها نیز میزان‌های قابل مقایسه‌ای از یتیمی را، به نحوه‌ای که در میان افراد سرشناس وجود داشت، تجربه کرده‌اند. (کلمن، ۱۳۸۴: ۱۳۷)

به نظر آیزنشتات، موضوع لزوماً خود ضایعه نیست، بلکه شیوه‌ای است که افراد بر آن غالب می‌شوند؛ گروه سرشناس به نظر می‌رسد که انرژی قابل ملاحظه‌ای را صرف فعالیت‌های فکری می‌کنند که ممکن است به رویکردی خلاقانه در مقابل مصیبت وارده منجر شود. مسأله مهمی که از نظریه آیزنشتات حاصل می‌شود این است

فرهنگ‌های رفتار غیر معمول، نوعی هنجار رفتاری مربوط به رقابت پنهان نیز وجود دارد. (نعمتی، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

**نظریه سوگ ناقص:** پیشرفت‌های اخیر در حوزه مربوط به سوء مصرف مواد، این نکته را مطرح می‌کند که رفتار مصرف مواد، تابع متغیرهای معینی است که از محیط روانی اجتماعی خانواده ناشی می‌شوند. به جای پویایی‌های فردی به عنوان منبع نیاز فرد به مواد، الگوهای پیوند و تعاملات به عنوان عناصر اساسی اعتیاد به مواد در نظر گرفته می‌شوند. تبیین‌های نظری دلالت بر آن دارد که مواد نقشی مهم در حفظ پایداری و تعادل خانواده دارند. به عنوان زیر مجموعه‌ای از نظریه روانی اجتماعی، نظریه نظام‌های خانوادگی توضیح می‌دهد که چگونه خانواده جست‌وجو برای مواد را تقویت، تهییج و حفظ می‌کند. این چشم‌انداز نظری از نظریه نظام‌های خانوادگی گرفته شده است این نظریه شامل سازه‌های عمده‌ای نظیر توازن خانوادگی، انتخاب نقش، مرزهای میان نسلی و غیره و سازگاری‌های خاص آن‌ها با حوزه مصرف مواد است. این مدل بر مرگ، جدایی و از دست دادن به عنوان پیش درآمد‌های مهم سوء مصرف مواد متمرکز است که از عناصر ضروری اعتیاد آور مرتبط با رفتار خانوادگی‌اند. (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۷)

به دلیل آنکه خانواده بیش از فرد، بیمار خوانده می‌شود، اصطلاح «خانواده معتاد به مواد» در مورد این خانواده‌ها به کار برده می‌شود که حداقل یکی از اعضای آن معتاد به مصرف مواد است. تمرکز اصلی بر نارکوتیک‌ها به طور عمده هروئین و شناسایی فرآیندهای خانوادگی مرتبط با مرگ و ویژگی‌هایی است که به نظر می‌رسد با این فرآیندها مرتبط‌اند. به ویژه در این نظریه اعتیاد به مواد حاکی از آن است که رفتار اعتیاد آور تابع شمار غیر معمولی از مرگ‌های آسیب‌زا یا زودرس است؛ جدایی‌ها و از دست دادن‌هایی که به نحوی مؤثر حل نشده‌اند یا در مورد آن‌ها سوگواری کاملی به عمل نیامده است. فرآیندهای تعادل خانوادگی و مکانیسم‌های بازخورد، سوء مصرف هروئین را به واکنشی برای مقابله با فشارهای روانی سنگین مرتبط با تجربه فقدان تبدیل می‌کند. نکته دیگر اینکه مصرف مواد عضو خانواده را بی‌پناه و وابسته به خانواده نگه می‌دارد؛ فرآیندی که بنیان خانواده را وحدت می‌بخشد و حفظ می‌کند. درون مجموعه پیچیده‌ای از رفتارهای پیوند دهنده، حس کلی از بی‌پناهی و فقدان هدف یا معنا در زندگی همراه با چرخه تکرار شونده تعاولات خانوادگی وجود دارد. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۶)

سوی دیدگاه مرگ به عنوان تجربه‌ای فردی، مفهوم مرگ در متن اجتماعی‌اش نیز مطرح است. سال‌ها قبل (هامویچ و وال، ۱۹۶۴) عقیده داشتند که نظام خانواده شخص در حال احتضار به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. شخص در حال مرگ نه به

حل مسائل مربوط به زندگی بزرگسالی خود به استقلال دست نیافته‌اند، ممکن است که در اثر مصرف مواد مخدر یا الکل به طور موقتی به نوعی از رهایی از ناکامی، درگیری و اضطراب و یکنواختی دست یابند. در حالی که پاره‌ای از این کنش‌ها احتمالاً برای هر فرد کجروبی رخ می‌دهد اما با این حال یک جامعه ستیز اولیه ممکن است خصوصاً مستعد و وابسته به میزان چنین فرآیند جامعه‌پذیری چه در حالت خشم و پرخاشگری ناشی از مصرف الکل و چه در حالت آرامش ناشی از مصرف مواد مخدر باشد (همان: ۱۴۹ - ۱۵۰).

### روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش اسنادی به بررسی تاریخ سینمای ایران پرداخته شده است. در بررسی فیلم‌هایی که با مضمون اعتیاد ساخته شده‌اند، آن‌هایی را که به اعتیاد زنان پرداخته‌اند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین در زمینه بررسی و مرور نظریه‌های مربوط به اعتیاد، نظریه زندگی‌مدار، نظریه خرده فرهنگ مواد مخدر، نظریه سوگ ناقص و نظریه کجروی اجتماعی از روش اسنادی استفاده شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بر اساس سؤالات تحقیق و مقولات مورد نظر فیلم‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. دیالوگ‌ها، تصاویر و ... در تحلیل محتوای فیلم‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مقولات مورد بررسی با توجه به سؤالات شامل علل اعتیاد، طبقه اجتماعی، تحصیلات، نوع مواد مخدر مورد استفاده استخراج شده‌اند. واحد تحلیل محتوای در این رساله شخصی‌های زن معتاد فیلم‌های مورد بررسی می‌باشد. در این تحقیق فیلم‌های تیغ و ابریشم، دبیرستان، نرگس، نگین، سربازهای جمعه، رئیس، بر عشق بر اساس سؤالات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به این که واحد تحلیل در این پژوهش شخصیت‌های معتاد زن هستند و دو فیلم نگین و رئیس هر کدام دو شخصیت زن معتاد دارند. تعداد شخصیت‌های مورد بررسی ۸ عدد می‌باشد.

### یافته‌های تحقیق

پس از بررسی فیلم‌های سینمایی که با مضمون اعتیاد در سینمای ایران ساخته شده است، ۶ عدد از فیلم‌هایی که به اعتیاد زنان پرداخته‌اند و در بازه زمانی سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷ ساخته شده‌اند، مورد تحلیل قرار گرفت. این فیلم‌ها به ترتیب تاریخ ساخت عبارتند از تیغ و ابریشم، دبیرستان، (دهه ۱۳۶۰)، نرگس، نگین (دهه ۱۳۷۰) و سربازهای جمعه، رئیس (دهه ۱۳۸۰). (جدول ۱)

این فیلم‌ها را براساس پرسش‌های تحقیق از نظر علل اعتیاد، وضعیت طبقاتی و تحصیلی، نوع مواد مخدر مصرفی در صورت وجود تحلیل شده‌اند.

که وقتی فرد نتواند با مصیبت وارده کنار بیاید چه اتفاقی می‌افتد؟ داده‌های مربوط به گروه‌های بزهکار نشان می‌دهد که ناتوانی در سوگواری خلاقانه ممکن است تابعی از خصائص خانواده باشد که در زمان مرگ یک عضو ظاهر می‌شود. در این صورت متغیر مهم مرگ نیز بلکه تعاملات و روابط درونی است که منجر به حل موفقیت آمیز و یا ناموفق مسأله مرگ می‌شود. (همان: ۱۳۸-۱۳۷)

علاوه بر جدایی بر اثر مرگ واقعی، هر نوع انفصال خانوادگی برای خانواده‌های معتاد دشوار است. (استنتون، ۱۹۹۷، الف، ۱۹۷۹ الف) و (استنتون و کلمن، ۱۹۷۹) مطالب زیادی درباره عناصر متعارض جدایی نوشتند و نسبت به این موضوع تردید دارند که شدت یافتن اعتیاد در بزرگسالی در زمانی که تعارضات جدایی در اوج خود قرار دارد یک انطباق (تصادفی) صرف است. چنانکه (استنتون و دیگران، ۱۹۷۸) خاطر نشان کرده‌اند سوء مصرف هروئین یک «تصمیم پارادوکسیکال» در شکل‌گیری و ترک خانواده است. مواد به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد به عنوان وسیله رسیدن به استقلال، خانواده را ترک کند، اما همچنین بازگشت به گرمای آن را وقتی زمان سقوط می‌رسد تسهیل می‌کند. این امر الگوی چرخه‌ای ترک و مصرف مجدد را دائمی می‌کند و معتاد به هروئین را بین خانه و جهان بیرون مواد معلق نگه می‌دارد. (کلمن، ۱۳۸۴: ۲۳۷)

**نظریه کجروی اجتماعی:** این فرض کلی وجود دارد که ابزار رفتاری یک فرد ترکیبی از واکنش‌های خاص یا الگوهای واکنشی است که هر کدام در یک وضعیت متین از احتمال خاصی برای وقوع برخوردارند. از آنجایی که افراد از قدرت واکنش متفاوتی برخوردارند، لذا آن‌ها سلسله مراتبی از واکنش‌ها را از بیش‌ترین تا کم‌ترین احتمال وقوع - برای یک وضعیت معین شکل می‌بخشند. به عنوان اصلی سازمانی تحقیق در علم داروشناسی روانی و به منظور کاربرد آن بر معتادان، این فرض وجود دارد که ترکیب‌بندی مجدد مواد باعث ایجاد سلسله مراتبی از واکنش‌ها در افراد می‌گردد؛ واکنش‌هایی که هر کدامشان مخصوص ماده‌ای خاص و وضعیتی مشخص می‌باشند. مکانیسم‌های پویایی روانی که به وسیله گرایش استفاده‌کنندگان به تأثیرات مواد تعیین می‌گردد، توسط بسیاری از افراد مطرح گردید، اما تنها تعداد کمی در این فرآیند بر کجروی اجتماعی متمرکز شده‌اند. اما از آنجایی که کجروها بایستی در جامعه که خوب با آن سازگاری پیدا نکرده‌اند، زندگی کنند، لذا آن‌ها تنها با مشکلات افراد معمولی و متوسط جامعه مواجه نمی‌شوند و به دلیل تفاوت‌ها و ناکارآمدی رفتارشان تحت فشار قرار می‌گیرند. از آنجایی که تنها برخی از واکنش‌های رفتاری وابسته به مواد مخدر و الکل شناخته شده هستند، لذا می‌توان گفت که افراد کجرو نابالغ و بی صلاحیتی که در مورد

خوب پدرش مجدداً در دبیرستان مشغول به کار می‌شود. در کلاس طی برخورد با محصلی به نام مسعود حسن‌پور از جیب او بسته‌ای هروئین بیرون می‌آورد، مسعود می‌گریزد اما بسته هروئین نزد ناصر می‌ماند. بسته هروئین او مجدداً وسوسه می‌کند اما او موفق می‌شود بر وسوسه‌اش غلبه می‌کند. ناصری تصمیم می‌گیرد مسعود را از دام اعتیاد برهاند که با خانواده از هم پاشیده او مواجه می‌شود. خواهر مسعود معتاد است و پدرش اختلال حواس دارد. ناصری به کمک مسعود می‌شتابد اما خواهر و پدر مسعود در حادثه آتش‌سوزی که خواهرش به قصد خودکشی ایجاد می‌کند، از بین می‌روند، ولی نهایتاً ناصری مسعود را نجات می‌دهد. (جدول ۳)

**فیلم نرگس (۱۳۷۰):** محصول آرمان فیلم، کارگردان رخشان بنی‌اعتماد، تهیه‌کننده رخشان بنی‌اعتماد و علی‌اکبر عرفانی، فیلم‌نامه رخشان بنی‌اعتماد و فریدون جیرانی، فیلم‌بردار حسین جعفریان، تدوین شیرین وحیدی، موسیقی متن محمدرضا عقیلی و بازیگران فریماه فرجامی، عاطفه رضوی، ابولفضل پورعرب، رضا کرم‌رضایی، وجیهه لقمانی، محمدرضا خمسه، مجید گلپایگانی، محمد زرنندی‌نیا.

**خلاصه داستان:** عادل از نوجوانی به همراه آفاق از طریق سرقت‌های کوچک زندگی می‌کند. آفاق و عادل ظاهراً زن و شوهرند، اما این ظاهراً به دلیل همراهی در دزدی است. آفاق به عادل علاقمند است. عادل در جریان فرار از دست مأموران در یک درمانگاه با نرگس آشنا می‌شود. عادل تصمیم می‌گیرد با نرگس ازدواج کند. آفاق طی اشاره‌ای که عادل می‌کند معتاد است. آفاق در جریان یک سرقت جدید که به دنبال انجام آنست عادل را وسوسه می‌کند. نرگس تلاش دارد عادل را به زندگی سالم سوق دهد. در پایان فیلم بعد از سرقت موفقیت‌آمیز عادل و آفاق به دلیل درگیری که بین نرگس و آن دو بر سر پس دادن پول دزدی پیش می‌آید آفاق در اثر تصادف در بزرگراه کشته می‌شود. (جدول ۴)

**فیلم نگین (۱۳۸۰):** محصول شرکت تولید فیلم نشانه، کارگردان اصغر هاشمی، تهیه‌کننده ایرج تقی‌پور (با همکاری کریم کاظمی و رسانه فیلم‌سازان)، فیلم‌نامه اصغر هاشمی، فیلم‌بردار اصغر رفیعی جم، تدوین اصغر هاشمی، موسیقی متن محمدرضا علیقلی و بازیگران گلچهره سجادیه، مهناز افشار، مهدی احمدی، مجید مشیری، مهرانه مهین‌ترابی، بهناز جعفری، بهناز توکل، صدیقه قیمتی، فرشته رفیعی، گلاره عباسی، معصومه شریفی، مهدی آگاهی، مصطفی کریمی، فرخنده فرمانزاده، نازنین آقایی‌نژاد، سعیده عرب، مهدی قربانزاده، پریسا نکونود، محمد خان‌محمدی، حسن زارع، مرتضی رحیمی، پرویز عاشورنیا، حسین اعلائی، محمدرضا شریفی، داریوش آزادی، عصمت رضاپور، احمد میلادی، محسن قاضی‌مرادی، معصومه تقی‌پور.

**فیلم تیغ و ابریشم (۱۳۶۵):** محصول کارگاه آزاد فیلم، کارگردان مسعود کیمیایی، تهیه‌کننده مسعود کیمیایی، فیلم‌نامه مسعود کیمیایی، فیلم‌بردار مهرداد فخیمی و حسن قلی‌زاده، موسیقی متن گیتی پاشایی و هنرپیشگان فرامرز صدیقی، فریماه فرجامی، محمدرضا علا، جمشید آریا، جلال پیشوائیان، اکبر معززی، نرسی، سیروس گرجستانی، حسین حسینی و مجید مظفری.

**خلاصه داستان:** در بانکوک جلسه‌ای برای حمل بیست تن هروئین خالص به ایران تشکیل شده است. هدف از این کار توزیع هروئین در دانشگاه، مدارس، کارخانجات و حتی در جبهه‌های جنگ است تا ایران در جنگ تحمیلی از نظر نیروی انسانی دچار ضعف و کمبود شود. زن و مرد جوانی در این رابطه دستگیر می‌شوند. بازپرس از وابستگی آن‌ها به جریان بزرگ قاچاق اطلاع دارد. سوسن زن بازداشت شده در انگلیس اقتصاد می‌خوانده و سخت کار می‌کرده است. جمشید و سوسن قبل از انقلاب در یک مهمانی در ارتباط با درس با هم آشنا شده و تصمیم به ازدواج داشتند که سوسن برای تحصیل به انگلستان می‌رود. جمشید نیز دو ماهی به آنجا می‌رود اما سوسن به دلیل مرگ پدرش به ایران باز می‌گردد. به آن‌ها پیشنهاد می‌شود که در ازای اینکه هر شش ماه یکبار یک بسته را وارد ایران کند و مادرش که در ایران است سر بزند، مبلغی معادل چندین برابر مزد کارهای سختی که انجام می‌داده به او پرداخت کنند و او قبول می‌کند. سوسن در بازداشتگاه دچار درد و ناراحتی‌ها ناشی از دور ماندن از مواد می‌شود. و نهایتاً در بازداشتگاه خودکشی می‌کند و جمشید عامل قاچاق بزرگ را معرفی می‌کند که با پدر وی در ارتباط هستند. تریلی حامل مواد مخدر در نزدیکی تهران از زمین و هوا تحت تعقیب مأموران است.

فیلم تأکید زیادی روی اعتیاد و قاچاق مواد مخدر توسط افراد تحصیل کرده دارد. اکثر شخصیت‌های فیلم، سوسن و جمشید و خصوصاً بازپرس دائماً در حال سیگار کشیدن هستند و تأکید زیادی بر زیر سیگاری پر از ته سیگار و چوب سیگار بازپرس می‌شود. در قسمت‌های مختلف فیلم به تحصیل کرده بودن شخصیت‌های قاچاقچی و معتاد می‌شود. و یکی از آن‌ها را در حال خواندن کتابی به زبان انگلیسی نشان می‌دهد. (جدول ۲)

**فیلم دبیرستان (۱۳۶۵):** محصول تعاونی تولید و توزیع فیلم ایران میلاد، کارگردان اکبر صادقی، تهیه‌کننده اکبر صادقی و شرکا، فیلم‌نامه حسین صفاری، فیلم‌بردار محمد زرفام، موسیقی متن مجید انتظامی و هنرپیشگان بیژن امکانیان، افسانه بایگان، صادق هاتفی، محمد صراف، آریتا لاجینی، محمد طالقانی، سعید میرباقری و مجید میرزائیان.

**خلاصه داستان:** علی ناصری دبیر زیست‌شناسی به دنبال ترک اعتیاد، پس از سه سال به زادگاهش باز می‌گردد و به لحاظ سوابق

حوادثی برای همه ایشان است. آصف که از خانواده مرفه ایست وقتی پریشانی خواهرش نقره را می‌بیند، در پی گیری احوال او متوجه می‌شود که خواهرش در تحمل عشق به استادش، به اعتیاد روی کرده است. فرامرز، که اهل موسیقی و خوانندگی است، از فرصت تعطیلی کوتاهش استفاده کرده و به استودیو رفته و اثر تازه‌اش را خوانده و ضبط می‌کند. سعید که اهل بحث و فعالیت سیاسی است و سودای رفتن به خارج را دارد، در روزنامه خواند که سه همراه او در سال‌های اخیر، در سفر قاچاقی شان به خارج کشته شده‌اند. نزدیک‌ترین دوستش نیز مورد تجاوز قرار گرفته و دست به خودکشی نافرجامی زده است. سعید که در برابر این همه تلخی و ناکامی واقع شده چاره‌ای ندارد جز آن که با برخوردی معقول، تحمل این ننگ را برای دوستش آسان‌تر کند. رضا، آصف و سعید تصمیم می‌گیرند انتقام خود را از مهرداد که به خاطر عشقش به نقره، استاد او را به قتل رسانده و نقره را به اعتیاد کشانده، بگیرند. آن‌ها برای این انتقام چماق‌هایی تهیه می‌کنند و به همراه سرگروهیان شان، به کشتارگاه می‌روند و مهرداد و افرادش را به باد کتک می‌گیرند و همه‌ی یاس، غم، ناکامی و خشم خود را فروریخته و در پایان، با خیالی آسوده و سبک‌بال به سربازخانه باز می‌گردند. چهار سرباز، رضا، آصف، فرامرز و سعید به همراه سرگروهیانشان، یک شبانه روز را برای گذراندن مرخصی و دیدار خانواده‌هایشان به تهران می‌آیند، جمعه، این روز تعطیل آستان حوادثی برای همه ایشان است. رضا همراه دوستانش برای دیدن مادر بیمارش به خانه برمی‌گردد که با مرگ مادر مواجه می‌شود و خواهرش که به دلیل قتل همسر معتادش زندانی است. خواهر رضا وقتی متوجه می‌شود که شوهرش برای تهیه مواد دخترشان را فروخته است شوهرش را می‌کشد. خانواده شوهر دیه پسرشان و سرپرستی دختر را می‌خواهند. آصف که از خانواده مرفه ایست وقتی پریشانی خواهرش نقره را می‌بیند، در پی گیری احوال او متوجه می‌شود که خواهرش در تحمل عشق به استادش، به اعتیاد روی کرده است. فرامرز، که اصلاً اهل موسیقی و خوانندگی است، از فرصت تعطیلی کوتاهش استفاده کرده و به استودیو رفته و اثر تازه‌اش را خوانده و ضبط می‌کند. سعید که اهل بحث و فعالیت سیاسی است و سودای رفتن به خارج را دارد، در روزنامه خواند که سه همراه او در سال‌های اخیر، در سفر قاچاقی شان به خارج کشته شده‌اند. رضا، آصف و سعید تصمیم می‌گیرند انتقام خود را از مهرداد که به خاطر عشقش به نقره، استاد او را به قتل رسانده و نقره را به اعتیاد کشانده، بگیرند. آن‌ها برای این انتقام چماق‌هایی تهیه می‌کنند و به همراه سرگروهیان شان، به کشتارگاه می‌روند و مهرداد و افرادش را به باد کتک می‌گیرند و همه یاس، غم، ناکامی و خشم خود را فروریخته و در پایان، با خیالی آسوده و سبک‌بال به سربازخانه بازمی‌گردند. (جدول ۷)

**خلاصه داستان:** «آذر» (زندانی ابد به جرم قاچاق مواد مخدر) که شوهرش نیز قبلاً اعدام شده، با خبر می‌شود که «نگین» دختر نوجوانش از خانه فرار کرده است. او «ندا»، دختر جوانی که قبلاً به دلیل اعتیاد زندانی بوده و حالا زندگی رویهم رفته خوبی دارد و در شرف ازدواج با جوانی به نام رامین است، به دلیل روابط انسانی که بین آن‌ها در زندان به وجود آمد، برای نجات دخترش نگین درخواست کمک می‌کند. «آذر» که به شدت نگران و دلواپس است، با خودزنی، ابتدا به درمانگاه می‌رود و سپس از آنجا می‌گریزد و همراه ندا به جست‌وجو نگین می‌پردازند: «آذر» و «ندا»، ابتدا به محل زندگی لاله، دوست خلاف کار نگین می‌روند، لاله در آغاز حاضر به کمک به آن‌ها نیست اما نهایتاً با آن‌ها همراه می‌شود و «آذر» و «ندا» را به مکان‌های مختلف از جمله پیش زنی به نام طلا می‌برد، زنی که موجب فروخته شدن نگین به گروه قاچاق دختران فراری به کشورهای خلیج فارس است. رد گیری آذر و ندا آن‌ها را به این نتیجه می‌رساند که نگین قرار است همراه با چند دختر دیگر با پاسپورت‌های قاچاقی که برایشان تهیه شده به یک کشور عربی بروند. آن‌ها در فرودگاه، به پنج زن با جامه‌های عربی و روبنده و مرد عرب همراه ایشان شک می‌کنند. آذر دخترش نگین را بین جمع می‌بیند و طی درگیری با مرد قاچاقچی به او شلیک می‌کند. پلیس که به صحنه حادثه رسیده است، آذر را هدف گلوله قرار می‌دهد، آذر، دخترش نگین را به ندا می‌سپارد و می‌میرد. نگین تاوان بی‌توجهی‌اش را با مرگ مادرش می‌پردازد.

با توجه به اینکه دو شخصیت معتاد ندا که درمان شده و نگین در فیلم وجود دارند، بطور جداگانه تحلیل می‌کنیم. (جدول ۵ و ۶)

**سربازهای جمعه (۱۳۸۲):** محصول هدایت فیلم، کارگردان مسعود کیمیایی، تهیه‌کننده مرتضی شایسته، مجری طرح مصطفی شایسته، فیلم‌نامه مسعود کیمیایی، تدوین آرش معیریان، موسیقی متن پیمان یزدانیان و بازیگران محمدرضا فروتن، بهرام رادان، پولاد کیمیایی، پژمان بازغی، اندیشه فولادوند، مریلازارعی، بهزاد جوانبخش، بیژن امکانیان، سیاوش شاملو، سعید پیردوست، کیانوش گرامی، یوسف مرادیان، اصغر بیچاره، عباس قاجار، فرزانه ارسطو، سعید روحانی، علی‌اصغر طیبسی، ریحانه عباسی، هوشنگ نوری، پیمان آزاد، محسن زرافشان، شلاله خدایی، داود عمادی، آریتا روزبه، فرزاد شمس، بهاره افشار، آناهیتا طاعتی، آزاده احمدی، آریتا رایجی، ابراهیم گرامی، عذرا مردانی، نورا خرسند، نازنین حسین‌زاده، علی قلی‌زاده، مصطفی ذوالقدر.

**خلاصه داستان:** چهار سرباز، رضا، آصف، فرامرز و سعید به همراه سرگروهیانشان، یک شبانه روز را برای گذراندن مرخصی و دیدار خانواده‌هایشان به تهران می‌آیند، جمعه، این روز تعطیل آستان

متوسط روبه بالا و طبقه متوسط روبه پائین به ترتیب در مراحل بعدی قرار دارند. بررسی نتایج وضعیت تحصیلی شخصیت‌های زن معتاد فیلم‌ها نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی مربوط به شخصیت‌هایی با تحصیلات دانشگاهی است. در مورد شخصیت‌های دیگر اشاره‌ای به وضعیت تحصیلی نشده است و درصد بالایی نیز مربوط به شخصیت‌هایی با تحصیلات دبیرستانی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رشد اعتیاد در قشر تحصیل کرده رو به افزایش است و تنها پنج درصد از معتادان بی سواد یا کم سواد هستند. با توجه به اینکه بیش از نیمی از شخصیت‌های مورد تحلیل دانشگاهی و دبیرستانی هستند و در مورد بقیه آن‌ها به بی سوادی اشاره‌ای نمی‌شود. بررسی نوع مواد مخدر مصرفی شخصیت‌های زن معتاد فیلم‌ها نشان داد که هروئین و سیگار در راس قرار دارند و بقیه‌ی انواع شامل تریاک و حبشیش و کوکائین به ترتیب در مراحل بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است در مورد سه شخصیت، به نوع ماده مخدر مصرفی اشاره‌ای نشده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بالاترین نرخ مواد مخدر مصرفی زنان معتاد مربوط به هروئین است که در سینما نیز به درستی بازنمایی شده است. در تغییراتی که در روند ساخت فیلم‌هایی مضمون اعتیاد زنان در سینمای ایران ساخته شده است، بارزترین تغییری که با واقعیات موجود همخوانی داشته و بازنمایی شده است نوع مواد مخدر مصرفی شخصیت‌های زن معتاد فیلم‌هاست. نوع مواد مخدر مصرفی از موادی چون تریاک شروع می‌شود و هرچه جلوتر می‌آیم این مواد به هروئین و حبشیش و نهایتاً کوکائین تبدیل می‌شود. فیلم‌های دهه ۶۰ تریاک و فیلم‌های دهه‌های بعدی به ترتیب به هروئین، حبشیش و نهایتاً به کوکائین را به عنوان مواد مخدر مصرفی توسط زنان بازنمایی نموده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مصرف تریاک به عنوان مواد مخدر قالب در زنان معتاد با هروئین جایگزین شده است و هروئین بالاترین نرخ مصرف را دارد. آمارها نشان می‌دهد که مصرف حبشیش به دلیل تبلیغاتی که برای اثرات کاهش وزن و افزایش میل جنسی می‌شود در میان زنان به شدت رو به افزایش است. در فیلم نگین و خون بازی که در دهه ۸۰ ساخته شده‌اند به بازنمایی مصرف حبشیش پرداخته‌اند. لذا به نظر می‌رسد بازنمایی تغییرات نوع مواد مخدر مصرفی تا حدودی متأثر از واقعیت بوده است. توزیع ساخت فیلم‌هایی که به مضمون اعتیاد زنان پرداخته‌اند با توجه به اینکه در کشور از سال‌های پایانی دهه هفتاد با رشد بیش از دو درصدی اعتیاد زنان مواجهیم، با وجود تعداد اندک، متناسب به نظر می‌رسد. در دهه ۶۰ و ۷۰ جمعاً سه فیلم با مضمون اعتیاد ساخته شده است و در دهه‌ی ۸۰ شش فیلم. با این حال تعداد اندک این فیلم‌ها نشان از بی‌توجهی به موضوع و محدودیت‌های بازنمایی اعتیاد زنان در سینمای ما دارد. با توجه به این فیلم‌های مورد بررسی هر کدام با هدف خاصی ساخته شده‌اند یا حداقل با محوریت هدفی خاص و اینکه تعداد فیلم‌های اندک هستند، نمی‌توان در موارد دیگر به تغییر آشکاری رسید.

**فیلم رئیس (۱۳۸۵)** محصول کارگاه آزاد فیلم، کارگردان مسعود کیمیایی، تهیه‌کننده مسعود کیمیایی، فیلم‌نامه مسعود کیمیایی، فیلم‌بردار علیرضا زرین دست، تدوین مصطفی خرقة پوش، موسیقی متن فرزین قره گوزلو و بازیگران فرامرز قریبیان، امین تارخ، پولاد کیمیایی، مهناز افشار، لعیا زنگنه، داریوش ارجمند، شاهرخ نورمحمدی، شهره قمر و خسرو شکیبایی.

**خلاصه داستان:** رضا که یک محکوم فراری است، اما از آنجا که نگران موقعیت تنها فرزندش سیامک است، خطر کرده و مخفیانه به وطن باز می‌گردد و مترصد احوال پسرش می‌شود. سیامک که به شدت گرفتار اعتیاد شده چنان در دام سرکرده‌ی باند ملقب به «رئیس» گرفتار آمده، که هرگونه خلافی را با اشاره‌ی «رئیس» انجام می‌دهد. سیامک لیستی در حبشیش دارد که باید هر روز به بیست و پنج نفر، مواد مخدر برساند. سیامک که سخت در گرداب و تیرگی دست و پا می‌زند، اما هنوز یک دلگرمی و امید دارد، او شیفته‌ی دختری به نام طلا که یکی از مشتریاناش بوده است و مانند او معتاد است. سیامک و طلا اعتیادشان را ترک می‌کنند. رضا که خودش خلافکار بوده اما بعداً راهش را جدا کرده، دوست دوران جوانی‌اش را دارد که او اکنون پلیس است، دوستی که هم او را می‌خواهد و هم رئیس را و حالا عجلتاً هر دو به دنبال رئیس می‌روند. (جدول ۸ و ۹)

### نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان داد که در فیلم‌های مورد بررسی دلایل متعددی برای اعتیاد به مواد مخدر مطرح شده است. جدایی از والدین به علت طلاق یا ترک، از بالاترین فراوانی برخوردار است و پس از آن فقدان کنترل و حضور والدین، تنهایی (بی کسی) در مرحله دوم و عشق نافرجام و جدایی از همسر و وجود وابستگی معتاد در مرحله سوم قرار دارد. دلایل دیگری که برای اعتیاد زنان در فیلم‌ها مطرح شده است به ترتیب فراوانی شامل گروه همالان، بزهکاری، دوری از وطن، برخورد تحقیرآمیز در خارج از کشور، مرگ والدین، فقر، بی‌خانمانی، افسردگی، بزهکاری والدین و محیط کجرو می‌باشد. با توجه به دلایل اعتیاد زنان در فیلم‌ها، آمارها نشان می‌دهد در بیش از ۷۰ درصد موارد اعتیاد زنان ریشه در وجود وابستگی مرد معتاد اعم از همسر پدر، برادر و عاشق یا نامزد معتاد دارد اما با توجه به اینکه دلایل مطرح شده در فیلم‌ها بر جدایی والدین، مرگ آن‌ها یا جدایی از همسر یا معشوق، با نظریه سوگ ناقص سانداراب. کلمن بر مرگ‌ها یا جدایی‌های حل نشده و آسیب‌زا در گرایش به اعتیاد تأکید دارد، را بازنمایی می‌کند. بررسی وضعیت طبقاتی شخصیت‌های زن معتاد فیلم‌ها نشان داد که عمده شخصیت‌ها از وضعیت طبقاتی بالا (مرغه) برخوردارند و پس از آن طبقات متوسط، طبقات پائین، طبقه

**جدول ۱- فیلم‌های مورد تحلیل و بازه زمانی تولیدشان**

					
دهه ۸۰		دهه ۷۰			دهه ۶۰

**جدول ۲- تحلیل محتوای فیلم تیغ و ابریشم**

شرح	مقولات
سوسن که برای تحصیل به انگلستان رفته و اقتصاد می‌خواند، در آنجا معتاد شده است. او در آنجا زندگی سختی دارد و سه شیفت کار می‌کند تا خرج زندگی‌اش را در آورد. و از طرز برخورد تحقیرآمیزی که در آنجا با او می‌شد، ناراضی است. به او پیشنهاد می‌شود با کارت دانشجویی به ایران بیاید برای دیدن مادرش و یک بار مواد مخدر را به لندن ببرد و ده برابر درآمدش دریافت کند. که ظاهراً دلیل اعتیادش همین نارضایتی است. پدر سوسن فوت شده است و او در ایران تنها یک مادر دارد.	علل سوء مصرف مواد
سوسن با توجه به ظاهر و نشانه‌هایی که در فیلم نمایش داده می‌شود از وضعیت طبقاتی متوسطی در ایران برخوردار است. اما به دلیل نیاز به پول برای خرج تحصیل و زندگی در انگلیس پیشنهاد قاچاق مواد مخدر را می‌پذیرد. سوسن در انگلیس اقتصاد می‌خواند.	وضعیت طبقاتی و تحصیلی
سوسن هروئین مصرف می‌کند و در طول فیلم شاهد سیگار کشیدن او سایر شخصیت‌های فیلم هستیم.	نوع مواد مصرفی
پس از خودکشی سوسن بازپرس به جمشید می‌گوید که سوسن می‌خواست اعتیادش را ترک کند و با تو ازدواج کند او الان پاک شده است. که نشان از انگیزه ترک اعتیاد سوسن برای عشق به شوهرش دارد.	انگیزه

**جدول ۳- تحلیل محتوای فیلم دبیرستان**

شرح	مقولات
مهری (نازنین) خواهر مسعود ظاهراً به دلیل داشتن ساختار خانوادگی از هم پاشیده و جدایی آن‌ها (سوک ناقص) و نتیجتاً دچار اعتیاد شده است. مادر مهری با یک نوازنده فرار کرده و آن‌ها را تنها گذاشته است.	علل سوء مصرف مواد
پدر مهری بعد از جدایی از مادرش مهری را به تماشاخانه برده و او در آنجا مشغول به کار شده است. و خودش نیز دچار اختلال حواس است. وضعیت طبقاتی آن‌ها پائین است. در فیلم اشاره‌ای به وضعیت تحصیلی نرگس نمی‌شود اما ظاهراً تحصیلاتش در حد ابتدایی است. او بازیگر تئاتر است.	وضعیت طبقاتی و تحصیلی
مهری مدت چهار سال است که تریاک مصرف می‌کند.	نوع مواد مصرفی
در فیلم اشاره‌ای به ترک اعتیاد و انگیزه احتمالی آن نمی‌شود. مهری کسی را ندارد که به فکر ترک اعتیاد او و همراهش باشد. او از شرم اینکه اعتیادش فاش شده خانه را به آتش می‌کشد و خودش و پدرش از بین می‌روند.	انگیزه



#### جدول ۴- تحلیل محتوای فیلم نرگس

مقولات	شرح
علل سوء مصرف مواد	دلیل سوء مصرف مواد آفاق که نشانه‌ای جز ظاهر آفاق که اصلاً مانند شخصیت‌های تیپیک معتاد سینمای ایران اغراق شده نیست، ندارد. علل اعتیاد آفاق را می‌توان در زندگی نابسامانش یافت. پدرش به علت فقر یا چیز دیگری که در فیلم به آن اشاره‌ای نمی‌شود، در ۹ سالگی او را به عقد مردی پنجاه ساله معتادی درآورد. شوهر آفاق او را در سن چهارده سالگی بعد از تولد فرزندشان از خانه بیرون و بی‌خانمان می‌کند و وارد زندگی خلاف می‌شود. او بزهار، معتاد، بی‌کس و دزد است.
وضعیت طبقاتی و تحصیلی	آفاق ظاهراً بی‌سواد یا کم‌سواد است. از نظر وضعیت طبقاتی پائین است.
نوع مصرفی	در فیلم اشاره‌ای به نوع مواد مخدر مصرفی آفاق نمی‌شود. اما از اشاره‌ای که عادل به دود کردن پول‌هایش می‌کند، احتمالاً تریاک مصرف می‌کند.
انگیزه	در فیلم اشاره‌ای به انگیزه ترک اعتیاد آفاق نمی‌شود. آفاق تنهاست و جز عادل کسی را ندارد. اطرافیانش نیز انگیزه‌ای برای ترک اعتیاد او ندارند.

#### جدول ۵- تحلیل محتوای فیلم نگین / شخصیت ندا

مقولات	شرح
علل سوء مصرف مواد	بنا به پیشینه‌ای که فیلم درباره شخصیت ندا می‌دهد. علت اعتیاد ندا، جدایی پدر و مادرش (سوک ناقص) است. او پس از جدایی آن‌ها افسرده می‌شود و به گفته خودش به بیخیالی می‌زند و سر از شور آباد در می‌آورد. و پس از ترک چهار سال زندانی می‌شود.
وضعیت طبقاتی و تحصیلی	ندا از خانواده متوسطی است. او جدا از پدر و مادر زندگی می‌کند و به لحاظ مالی مشکلی ندارد. او در یک شرکت تبلیغاتی سینمایی با استفاده از کامپیوتر روی فیلم‌های سینمایی و تبلیغاتی کار می‌کند. او تحصیل کرده و دانشگاه رفته است. او به علت اعتیاد زندانی بوده و ترک کرده است.
نوع مصرفی	در فیلم اشاره‌ای به نوع مواد مخدر مصرفی ندا نمی‌شود.
انگیزه	او پس از دستگیری در شورآباد و سپس در زندان او با حمایت مادرانه و همراهی آذر در زندان و انگیزه شخصی اعتیاد را ترک می‌کند. و بعد از اعتیاد از اطلاعات در ابتدای فیلم از او می‌گیریم. او سرحال است، ورزش می‌کند و سرکار می‌رود. ندا با حمایت آذر در زندان ترک می‌کند. پدر و مادر ندا ظاهراً به او نزدیک نیستند و دورا دور با او در ارتباطند. در محیط کار نیز در دوران بعد از ترک اعتیاد رئیسش که به او علاقمند و خواستگارش است تا حد خیلی زیادی با همراهی می‌کند و وضعیت او را درک می‌کند.

#### جدول ۶- تحلیل محتوای فیلم نگین / شخصیت نگین

مقولات	شرح
علل سوء مصرف مواد	نگین به دلیل جدایی از پدر و مادرش که به علت زندانی شدن مادر و اعدام پدر اتفاق افتاد دچار تنهایی و عدم نظارت والدین است. مادرش بعد از زندانی شدن اجازه نمی‌دهد نگین او را ببیند. نگین با مادر بزرگ پیرش زندگی می‌کند. بر اساس گفته همکلاسی نگین بعد از اینکه قضیه خانواده‌اش در دبیرستان لو می‌رود او گوشه‌گیر می‌شود و کم‌کم دیگر به مدرسه نمی‌رود. از دیگر عواملی که برای اعتیاد نگین می‌توان نام برد، همکلاسی‌هایش و گروه همالان کجرو است که باعث دسترسی آسان او به مواد مخدر است.
وضعیت طبقاتی و تحصیلی	نگین وضعیت طبقاتی متوسطی دارد و دبیرستانی است.
نوع مصرفی	طبق گفته همکلاسی نگین او ابتدا طی معاشرت با لاله همکلاسی‌اش حشیش و سیگار مصرف می‌کند و در ادامه هروئین مصرف می‌کند که مادر بزرگش او را حین تزریق مواد می‌بیند.
انگیزه	او پس از دستگیری در شورآباد و سپس در زندان او با حمایت مادرانه و همراهی آذر در زندان و انگیزه شخصی اعتیاد را ترک می‌کند. و بعد از اعتیاد از اطلاعات در ابتدای فیلم از او می‌گیریم. او سرحال است، ورزش می‌کند و سرکار می‌رود. ندا با حمایت آذر در زندان ترک می‌کند. پدر و مادر ندا ظاهراً به او نزدیک نیستند و دورادور با او در ارتباطند. در محیط کار نیز در دوران بعد از ترک اعتیاد رئیسش که به او علاقمند و خواستگارش است تا حد خیلی زیادی با همراهی می‌کند و وضعیت او را درک می‌کند.

## جدول ۷- تحلیل محتوای فیلم سربازهای جمعه

شرح	مقولات
علت اعتیاد نقره بر اساس گفته‌های خودش و فلاش بک‌هایی که می‌بینیم. عشق نافرجامش به استاد فلسفه‌اش که توسط عاشقش مهرداد به قتل می‌رسد، است. مهرداد شخصیت لمپن و خلاف کاری است که که نقره را معتاد می‌کند تا از این طریق او را در چنگ خود نگاه دارد. مهرداد او را تحقیر می‌کند و لذت می‌برد. نقره تنه‌است و ظاهراً پدر و مادرش به علت مرگ حضور ندارند.	علل سوء مصرف مواد
نقره خواهر آصف متعلق به خانواده‌ای بسیار ثروتمند و مرفه هستند. نقره دختری تحصیل کرده است که فلسفه می‌خوانده و شاعر و ورزشکار بوده است. دختری موفق که مورد علاقه پدر و مادرش بود.	وضعیت طبقاتی و تحصیلی
نقره هروئین مصرف می‌کند و سیگار می‌کشد. در سکانسی از فیلم نقره را در حال تزریق هروئین می‌بینیم و در سکانسی دیگر مهرداد عاشق نقره با حالتی سادیستی به نقره هروئین تزریق می‌کند. در محل دامداری مهرداد نیز زنی به نقره هروئین تزریق می‌کند. نقره در سکانس‌های متعددی در حال سیگار کشیدن است، سیگار از دستش می‌افتد و سیگار را اشتبهاً از ته روشن می‌کند.	نوع مواد مصرفی
آصف و دوستانش سعی دارند نقره را از چنگ اعتیاد رها کنند. برای ترک به او انگیزه بدهند. آصف تنها کسی است که در کنار نقره است و تلاش دارد با صحبت او را متقاعد کند تا اعتیادش را ترک کند.	انگیزه

## جدول ۸- تحلیل محتوای فیلم رئیس / شخصیت فرشته

شرح	مقولات
فرشته علت اعتیاد خود را دوری و جدایی از شوهر سابقش (سوغ ناقص) رضا و تنهایی عنوان می‌کند	علل سوء مصرف مواد
فرشته وضعیت طبقاتی متوسط رو به بالایی دارد. در فیلم صحبتی با اشاره‌ای به وضعیت تحصیلی فرشته نمی‌شود.	وضعیت طبقاتی و تحصیلی
فرشته هروئین تزریق می‌کند و سیگار می‌کشد و در صحنه‌ای از فیلم ما تزریق هروئین را می‌بینیم که تأثیر این صحنه با وجود پارچه قرمزی که او روی سرش انداخته و نور قرمز آن تشدید می‌شود. در صحنه‌ی دیگری از فیلم یک مواد فروش به او هروئین تزریق می‌کند.	نوع مواد مصرفی
انگیزه ترک مواد برای فرشته همراهی رضا است. در جایی از فیلم فرشته به رضا می‌گوید که اگر در کنارش می‌ماند سرنگ را می‌شکند. و اعتیاد را ترک می‌کند. رضا همسر سابق فرشته در پاسخ به سؤال فرشته در مورد همراهیش برای ترک، به او قول همراهی می‌دهد.	انگیزه

## جدول ۹- تحلیل محتوای فیلم رئیس / شخصیت طلا

شرح	مقولات
در فیلم اشاره‌ای به علت اعتیاد طلا نمی‌شود. اما تأکید طلا و سیامک به همراهی با یکدیگر و اینکه آن‌ها تنها کسی هستند که برای هم باقی مانده‌اند. می‌توان علت اعتیاد طلا را تنهایی دانست ضمن اینکه یکی از زیردستان رئیس عاشق طلا بوده و می‌توان یکی از علت‌ها را دوستان و نزدیکان کجرو دانست.	علل سوء مصرف مواد
طلا از نظر وضعیت طبقاتی مرفه به شمار می‌رود اما در فیلم اشاره‌ای به خانواده یا وضعیت تحصیلات طلا نمی‌شود.	وضعیت طبقاتی و تحصیلی
در فیلم اشاره‌ای به نوع مواد مخدر مصرفی طلا نمی‌شود.	نوع مواد مصرفی
طلا برای ترک اعتیاد حضور سیامک و عشقش به او است و ظاهراً طلا با همراهی سیامک توانسته اعتیاد را ترک کند.	انگیزه

## فهرست منابع

- اسلامی، احمدعلی. و همکاران. (۱۳۸۹). "یک الگوی نظری مبتنی بر نظریه رفتار مشکل برای تبیین رفتارهای مشکل: تمرکز بر نقش میانجی عوامل روانی، اجتماعی"، مطالعات امنیت اجتماعی جدید، دوره ۲۲، صص. ۵۹-۸۱.
- امید، جمال. (۱۳۸۹). "فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران"، تهران، چاپ هشتم، انتشارات نگاه.
- زکریایی، محمدعلی. (۱۳۸۲). "جامعه‌شناسی مصرف مواد مخدر"، فصلنامه اعتیاد پژوهی، دوره ۲، شماره ۵، صص. ۵۳-۸۰.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر. (۱۳۸۴). "نگرش ایرانیان به مصرف مواد مخدر (یافته‌های پیمایش در کشور)"، ویرایش اول، تهران، دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله. (۱۳۸۵). "آیا اعتیاد یک مسأله اجتماعی است؟"، مجموعه مقالات سمینار اعتیاد به مواد مخدر، تبریز.
- صفری، فاطمه. (۱۳۸۲). "اعتیاد و زنان: تفاوت جنسیتی درباره استعمال مواد مخدر و درمان آن"، فصلنامه اعتیاد پژوهی، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۱۹-۱۳۹.
- کلمن، جیمز. (۱۳۸۴). "بنیادهای نظریه اجتماعی"، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- نعمتی، فرشاد. (۱۳۸۱). "اعتیاد: راهبردهایی برای پیشگیری و درمان"، جلد دوم مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران (اعتیاد و قاچاق مواد مخدر)، نشر آگه.
- نوری پرتو، امیررضا. (۱۳۸۷). "آینه‌های زنگار گرفته عبرت"، مجله فیلم، شماره ۳۸۶، تهران.

## **Content Analysis of Women's Social Harms in Movies (Case of Study: The Phenomenon of Addiction in the First Three Decades after the Islamic Revolution)**

**Mehdi Mokhtarpour**

### **Abstract**

Cinema, due to its visual appeal and propaganda power in today's advanced world, has attracted the attention of those involved in various economic, cultural, political and social fields around the world. But the point here is that cinema is a medium and has its own media functions before it is an artistic subject. Cinema has seen good growth in recent years in Iran in addressing the phenomenon of women's addiction, but compared to world cinema, this growth is not enough. In addition, the lack of use of the opinions of experts in the field of addiction and studies can be seen in more than half of these films. The main purpose of this study is the content analysis of women's social harms in movies with emphasis on the phenomenon of addiction in the first three decades after the Islamic Revolution. In this research, the history of Iranian cinema has been studied using the documentary method. In the review of films made with the theme of addiction, those that deal with women's addiction have been selected and examined. Also, in the field of reviewing the theories related to addiction, life-oriented theory, drug subculture theory, incomplete mourning theory and social deviation theory, the documentary method has been used. Then, the films were analyzed using qualitative content analysis method based on research questions and categories. The findings show that the representation of changes in the type of drugs used has been somewhat influenced by reality. The distribution of the production of films that deal with the subject of women's addiction, considering that we are facing a growth of more than two percent of women's addiction in the country since the late seventies, despite the small number, seems appropriate. A total of three films on addiction were made in the 1960s and 1970s, and six in the 1980s. However, the small number of these films shows the neglect of the subject and the limitations of representing women addiction in our cinema.

**Keywords:** addiction, cinema, women, new media, social harms.